

نمره - ۸۸

کاغذ سر بارکلی به سر انواردگری مورخه ۱۹ ژون ۱۹۰۹ [۲۹ خرداد ۱۲۸۸؛
 ۳۰ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 آقا

در این چند هفته اخیره اتفاق مخصوصی نیفتاده است. پروگرام ما در خصوص استقرار مشروطیت در کمال خوبی اجراء می‌شود و امید که در این چند روز آینده قانون انتخابات که اغلب ملتیان را خوشوقت خواهد کرد منتشر و وقت انتخاب را نیز معین نماید. در بین وزراء نفاق شدیدی تولید شده که برخی سلب اطمینان از سعدالدوله کرده و بعضی دیگر ملاحظه و رقابت با سعدالدوله و فرمانفرما وزیر داخله دارند. در مواقعی که این کابینه از طرف سفارتین پیشنهاد شد آشکار بود که مابین بعضی از اعضاء ضدیت خواهد شد. در هنگام تشکیل ممکن بود که وزراء متحد پیدا بشود ولیکن عنصر اقتدار و جسارت در دست سعدالدوله بود و به همین ملاحظه است که اغلب مواد پروگرام ما را بموقع اجراء گذاشتند و امید است که بزودی مجلس منعقد شود.

خیلی مایه تأسف است که در این موقع ناصرالملک ممکن نیست در ایران حضور بهم‌رساند. اگر برای مشارالیه ممکن می‌شد که رئیس‌الوزرائی را قبول نماید البته وجود او اطمینان ملتیان را در حق وزراء کسب می‌نمود. با وجود اینکه ترقی کامل برای برقراری اساس مشروطیت حاصل است باز ملتیان نمی‌توانند اطمینان خود را نسبت به وزرائی که سعدالدوله رئیس‌الوزراء آنها است اظهار نمایند. دو فقره اقدام باعث تنقید اعمال سعدالدوله شده است. یکی آنکه نظم شهر را به عهده لیاخف واگذار نموده و دومی آنکه علاءالدوله را به سمت حکومت تبریز تعیین کرده است. ولیکن اقدام اولی باعث انتظام شهر شد و من هم این مسئله را تصدیق می‌کنم اما در مسئله دوم بموجب راپورت ژنرال قنصل عموم اهالی غیر از یک عده بلواطلب متفقاً اظهار امتنان از حکومت علاءالدوله می‌نمایند.

تا به امروز اجراء پروگرام دولتین رویهم‌رفته نتیجه بهبودی کامل در اوضاع تحصیل نموده است. هر چند مستبدینی که در اطراف شاه بودند و همیشه اسباب اضطراب اهالی را فراهم می‌نمودند متفرق شده‌اند. امیر بهادر جنگ بیکی از رؤسای ملتیان گفته که محض کسب ترضیه خاطر اعلیحضرت همایونی مراتب مشروطیت را قبول و جداً مشروطه طلب شده‌ام.

صمصام‌السلطنه عده‌ای از سوارهای خود را که سابقاً مرخص کرده بود دوباره احضار نموده است ولیکن این فقره بملاحظه وجود عده‌ای از سواران دولتی است در کاشان که بجهت بی‌پولی نمی‌توانند آنها را مرخص نمایند. عده‌ای از رولوسیونرهای قزوین رو به شمال برگشتند. با وجود اینکه سپهدار به حکومت گیلان و مازندران منصوب گشته و حاکم جدید قزوین هم وارد قزوین شده است هنوز مشارالیه در قزوین و اطراف آنجا با عده‌ای از همراهان خود مسلح می‌باشند. این قشون تا یک اندازه پایتخت را تهدید می‌نماید. با وجود این سلب اطمینان که در هر اقدام سعدالدوله از ملتیان ظاهر می‌شود و هیچ‌کس

نمی‌تواند مقاصد شاه را بخوبی درک کند خیلی مشکل است که از آنها خلع سلاح کرد. تمام ولایات که در تصرف ملتیان است (جز بندر عباس و بندر بوشهر که بواسطه وجود دریابییگی دارای انتظام و امنیت صحیح است) نمی‌توانند اسباب آسایش عمومی را فراهم نمایند.

رشت هنوز در تصرف کمیته ملی است و قزوین هم چنانچه ذکر شد در دست سپهدار است. نظر به راپورتی که از مشهد و کرمان و یزد رسیده هرج و مرج غربی در آن صفحات حکمفرما است. شیراز در کمال بی‌نظمی در تحت حکومت آصف‌الدوله ناقابل است و باین جهت شیراز محل نزاع دستجات مختلف الاحوال است. اوضاع طرق و شوارع جنوب بدتر از این دیگر متصور نیست، هر چند که راه بختیاری مستثنی است و به همین دلیل تجار هم این راه را ترجیح می‌دهند. و این مسئله اسباب خسارت کلی بوشهر شده و عایدات گمرکی تقریباً از بین رفته است. شمال تبریز در تصرف قشون روس است هر چند که می‌خواهند در همین زودبها قسمت بزرگ قشون را برگردانند. در نقاط دیگر آذربایجان اوضاع خیلی بد است.

در نزدیکی اردبیل شاهسونها دهات را می‌چاپند و مستحفظین قنصلگری روس را هم زیاد نمودند و در شمال غربی به‌وجب راپورتهایی که به من رسیده است اوضاع ناگوار جریان دارد.

البته نمی‌توان متوقع شد که اغتشاش ایران بمجرد استقرار مشروطیت برطرف و انتظام عمومی برقرار باشد بلکه مقصود عمده ما عبارت از محافظت مشروطیت بود که آنهم حاصل گشت. حالا باید منتظر شد که دولت مشروطه جدید این اغتشاش‌کاریها را که بواسطه بی‌انتظامی و رشوه‌گیری وجود یافته و در اعماق مملکت ریشه دوانیده است می‌تواند رفع کرده و انتظام و آسایش عمومی را برقرار نماید یا نه؟ اگر دولت جدید در امور مملکتی مطلقاً حسن کفایت بخرج داده و مالیة مملکت را خصوصاً منظم نماید گمان می‌کنم باید دولتین بتوسط يك استقرار کافی سهولتی در اجراء مقاصد دولت جدید که در نظر دارد بدهند آتوقت صاحب پولی خواهند بود که دولت حالیه ندارد و برای هر دولتی که بخواهد این غائله را جداً برطرف نماید این پول لازم است. کابینه‌های جدید نظر به بی‌پولی و بی‌استعدادی دولت راهی را که برای انتظام نقاط در نظر گرفته‌اند این است که اگر بتوانند بتوسط وعد و وعید اشخاص بانفوذ را سر کار آورده و اغتشاش نقاط را باندازه‌ای برطرف سازند. صد هزار لیره را که دولت روس در خیال کارسازی است برای پرداخت حقوق قشون که باید کسر شود صرف خواهد شد با بعضی از مصارف دیگر.

بار کلی

نمره - ۸۹

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژون ۱۹۰۹ [۲۷ خرداد ۱۲۸۸؛
۲۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

کمیته ۲۰ نفری که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود قانون مزبور را در
۱۰ این ماه تمام کرده و در ۱۳ پیشنهاد شاه نمود. لیکن هنوز از طرف شاه امضاء نشده
است. اشخاصی که اساساً مسؤل این اقدام هستند عبارت از مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک و
صنیع‌الدوله و فرمانفرما و حسینقلی‌خان نواب و مستشارالدوله است. قانون جدید عدّه و کلاء
را به ۱۲۰ نفر رسانید در صورتی که قانون ۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۰۶ [۱۶ آذر ۱۲۸۵؛
۲ شوال ۱۳۲۴] عدّه و کلاء را ۱۵۶ نفر معین کرده بود. (عدّه و کلاء مطابق قانون اساسی
۱۹۲۲ الی ۲۰۰ نفر است.) ترتیب انتخابات که در سال ۱۹۰۶ مستقیماً و طبقاتی بود حالا
غیرمستقیم و خارج از طبقاتی است. هر نقطه سه مقابل حق انتخاب خود با انتخاب بدوی
تعیین کرده و از میان آنها يك نفر را انتخاب می‌نمایند.

مملکت را به ایالات و ولایات و ولایات را به نقاط تقسیم نمودمانند که
در موقع انتخاب نقاط و ولایات و کلاهی خود را پس از انتخاب به ایالت فرستاده و در آنجا
با انتخاب جدید منتخب و به پایتخت خواهند فرستاد. اگر چه قانون انتخابات تعیین نکرده
است که وکیل باید از اهل محل باشد ولی لازم است که در موقع انتخاب در آن نقطه
حاضر باشد و بعد از فوت و یا استعفای وکیل مجلس عوض آنرا انتخاب می‌نماید. و با این
ترتیب ممکن است متدرجاً تمام و کلاء از طهران و تبریز انتخاب شوند. انتخابات ۱۰ روز
بعد از آنکه شاه قانون را امضا نمود در طهران شروع می‌شود. و در ولایات بفاصله ۵ روز
بعد از وصول نظامنامه خواهد شد.

شرایط وکیل موافق ترتیبات معموله است که راجع است به سن و اطلاعات و ذکوریت
اگر چه شرط شده که وکلاء دارای علاقه مالی بوده باشند ولیکن مشروط به علاقه ملکی
نیست.

پس از حضور يك ثلث از وکلاء مجلس برسمیت منعقد خواهد شد و مدت تشکیل رسمی
مجلس دو سال است و بعد از آن دومرتبه انتخاب می‌شوند. مسئله موجب وکلاء منوط
به رأی مجلس است. مخارج عرض راه و کلاء را از ولایات تا طهران می‌دهند. قوانینی
که برای ترتیب انتخابات تعیین شده ناظر آن کمیته و اعضاء انجمن مشروطه ۷ اکتوبر
۱۹۰۷ [۱۴ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۵] است (آرتیکل ۹۰ و ۹۳). این کمیته پس از
امتحان منتخبین تعرفه رأی را خواهد داد. ماده دیگر از این قانون انتخابات برای پیچ
ایل معروف (بختیاری و شاهسون آذربایجان و قشقائی فارس و ایل خمه فارس و ترکمن)
حق انتخاب می‌دهد که هر کدام از اینها يك نفر وکیل انتخاب می‌نمایند و همچنین برای
هر کدام از ملل متنوعه (ارمنی و کلدانی آذربایجان و یهود و زردشتی) يك نفر وکیل
معین شده است. در ۱۵ این ماه شاه اعتراضات ذیل را به قانون انتخابات نمود:

۱) انتخاب ایالات باعث تولید اغتشاش می‌شود چون ایالات منشعب به طایفه و اوبه و

عشیره و غیره می‌باشند که متصل در میان هر جمعی نقاضتهای دائمی حکمفرما است و این مسئله سبب زیادتی اشکال خواهد شد.

(۲) وکیل بعد از انقضاء مدت انتخاب چرا باید دوباره انتخاب بشود.

ولی بعد حالی کردند که این مسئله غیرممکن است چون هیچوقت نمی‌شود اهالی را از انتخاب ثانوی وکیل جلوگیری کرد و اگر این مسئله را صورت قانونی بدهند برخلاف روح مشروطیت خواهد شد. لیکن امروز اعلیحضرت شاه اظهار نموده که آن اعتراضات خود را پس خواهیم گرفت و قانون را بهمین ترتیب که مرتب شده امضاء خواهیم کرد.

وزراء مایلند که مجلس سنا را نیز بترتیبی که مشروطه ۳۰ دسامبر سال ۱۹۰۶ [۸ دی ۱۲۸۵؛ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴] (آرتیکل ۴۳ الی ۴۸) معین نموده مقارن افتتاح مجلس تشکیل بدهند لیکن در این اقدام دولت بسیاری از مردم ضدیت دارند و راه دفاع آنها عبارت از همان ماده ۴۴ مشروطه ۱۹۰۶ است. ماده فوق از اینقرار است: «ترتیب مجلس سنا را باید مجلس شورای ملی تصویب نماید.»^۱ لیکن این ماده مربوط به تشکیلات اساس سنا نیست بلکه آن ماده قوانین داخلی سنا را به عهده مجلس شورا محول می‌نماید. وزراء مایلند که سنا را موافق ماده ۴۵ مشروطه ۱۹۰۶ تشکیل بدهند. به این معنی که سی نفر عضو آن را مردم انتخاب نمایند که ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر از ولایات باشد و سی نفر دیگر آن را شاه انتخاب کند و باز ۱۵ نفر از طهران و ۱۵ نفر دیگر از سایر ولایات.

بارکلی

نمره - ۹۰

کاغذ سر بارکلی به سر ادواری مورخه ۱۸ ژون ۱۹۰۹ [۲۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۹ چ ۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که ذیلاً برحسب معمول راپورت ماهانه خود را راجع به حوادث تقدیم نمایم.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۹۰

مختصری از حوادث ۴ هفته گذشته ایران

طهران

اتفاق عمده ۴ هفته اخیر عبارت از اتمام قانون انتخابات است. در ۱۰ این ماه انتظام شهر و شمیرانات به عهده لیاخف واگذار شده و نتیجه این است که نظم خوب برقرار گردیده است. سیلاخوریها که در تحت فرمان امیر بهادر جنگ در اردنوی سلطنت آباد هستند اسباب

(۱) این ماده در اصل قانون اساسی مشروطیت چنین است: «نظامنامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.» - ۴.

زحمت قلعهک و سایر نقاط را فراهم می‌آورند. عین‌الدوله با عده‌ای قشون از تبریز مراجعت و در ۹ ماه ژون [۱۹ خرداد؛ ۲۰ ج ۱] وارد شد و روز بعد از ورود به حضور شاه رفت. احتمال دارد که عین‌الدوله عجلتاً در امورات دولتی مداخله نکند.

چرچیل

تبریز

در ۱۹ ماه مه [۲۹ اردی‌بهشت؛ ۲۸ ع ۲] ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت داد که مجاهدین قفقازی از شهر خارج و یا اینکه پنهان شده‌اند. از عموم مردم خلع سلاح شد اگر چه باز بیشتر اسلحه‌های خود را مخفی کرده‌اند ولی این ایام اشخاص مسلح در کوچه‌ها دیده نمی‌شود. قشون روس در شهر خیلی خوب رفتار می‌نماید.

۴ روز قبل مستر راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که استعداد پلیس در شهر زیاد شد و این اقدام برای این بوده که اسباب رضایت خاطر ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند باین ترتیب که به هر کدام از آنها ۵۰ نفر پلیس سپرده شد و آنها نیز در عوض هر کدام ۲۰۰ نفر از اتباع خود را داخل نظمی نمودند اگر چه آنها ابداً راضی به اطاعت نایب‌الحکومه نبودند.

از ابتداء معلوم بود که ستارخان و باقرخان خیال مزاحمت را دارند و بهمین دلیل ژنرال قنصول اعلیحضرتی وجود یک نفر حاکم مقتدر را لازم دیده و جزو راپورت خود می‌نمود. علاءالدوله که به فعالیت و نفوذ معروف است به حکومت تبریز منصوب شد و پیش از اینکه به تبریز رهسپار شود عازم طهران خواهد شد. در خصوص اغتشاش اهالی ارومیه و سلماس از قرار معلوم سعیدالممالک که از طرف ملتیان به حکومت سلماس منصوب بود در ۱۳ ماه آوریل [۲۴ فروردین؛ ۲۲ ع ۱] وارد گردید و حکومت آن نقطه را در دست خود گرفت. تقریباً ۵ هفته حکمرانی کرد و در مدت حکومت خود اوضاع آن صفحات را منظم کرده بود لیکن بواسطهٔ وجوهات زیادی که از متمولین آنجا گرفت اهالی اظهار شکایت کردند و در اوایل ماه مه بتوسط مجاهدین محلی و جماعتی از اکراد رولوسیون برپا شد و سعیدالممالک مجبور گردید که فوراً به سلماس برود. در ۷ ماه ژون [۱۷ خرداد؛ ۱۸ ج ۱] مسیو راتیسلو [راتیسلا] راپورت داد که برای محافظت ویس قنصول ۴۰ نفر سرباز به ارومیه خواهند رفت. به آنها دستورالعمل داده شده که از روسها و در صورت لزوم از اتباع خارجه محافظت نمایند و بهیچوجه به امورات محلی دخالت نکنند.

رشت

سپهدار که از چندی قبل در قزوین رئیس قشون ملتیان بود به حکومت گیلان و مازندران منصوب گردید و از قرار معلوم به همین زودیها از قزوین به رشت حرکت خواهد نمود. قشون ملی قزوین در تحت سلاحند و محتمل است که تا مدت انعقاد مجلس مسلح بمانند.

استرآباد

از قرار معلوم ترکمنها را بعد از انجام خدمتگزاری شاه مرخص کرده‌اند لیکن بعضی آنها بواسطه نرسیدن حقوق شکایت نموده و مشغول چپاول شده‌اند و عده را غارت کرده و یکی را نیز آتش زده‌اند. ده دیگری موسوم به کلانتر محله مقاومت نموده و بعد از چندین ساعت جنگ ترکمنها را عقب نشانیده‌اند. استقرار مشروطیت اعلان شد و بطور خوشحالی از طرف اهالی پذیرفته شد. نفاق زیادی هنوز در بین مشروطیین و مستبدین باقی است.

مشهد

در هفته اول ماه ژون رکن الدوله به سمت حکومت از طهران به مشهد حرکت نمود. در ۱۳ ماه مه [۲۳ اردیبهشت؛ ۲۲ ع ۲۴] شاه تلگرافاً (= تلگرافی) اطلاع داد که مشروطه سابق برقرار است. اهالی در کوچه‌ها جمع شده و اظهار شادمانی می‌نمودند ولی بدون اینکه از شاه اظهار تشکر نمایند چون همه می‌دانستند دولتین به شاه زور آورده‌اند. و این اقدام بوسیله آنها شده است.

دسته زیادی زوار غریب که در ۱۲ ماه مه به مشهد وارد شدند راپورت دادند که در نزدیکی میامی که در چهل میل شرقی شاهرود واقع است دچار حمله ترکمنها گردیده‌اند و تقریباً ۴۰ نفر از آنها مقتول و ۴۰۰ لیره هم از اموال آنها به یغما برده‌اند. این خبر را گاریچیها که در راه طهران و مشهد کار می‌کنند تصدیق نمودند و اطلاع دادند که در ۸ ماه مه دسته‌ای از تراکهه که عده آنها بالغ به ۳۰۰ نفر بود میامی را محاصره نموده و هر قدر که شتر و گوسفند ممکن بود به غارت بردند. در اواخر ماه مه غلامعلی که یکی از دزدان معروف است در نیشابور با دویست نفر مشغول بزدی بود. تلگرافی از قسول اعلیحضرتی رسید که در ۴ ماه ژون [۱۴ خرداد؛ ۱۵ ج ۱] سوء قصدی نسبت به کارگزار شد و یکی از متولین را نیز در خانه خود کشتند، در ۷ ماه ژون یک نفر در انجمن ایالتی کشته شد. و همچنین بیگلربیگی را مقتول نمودند و در نزدیکی قنسولخانه‌ها تیراندازی زیادی کردند و چند تیر هم به قنسولخانه خورد. در ۹ ماه ژون به منزل رئیس پلیس که در نزدیکی قنسولخانه اعلیحضرتی واقع است حمله کردند و تقریباً ۴۰ تیر شلیک نمودند لیکن کسی کشته نشد.

تربت حیدریه

۱۶ ماه مه [۲۶ اردیبهشت؛ ۲۵ ع ۲۶] سوادى از فرمان شاه راجع به استقرار مشروطیت دم دروازه چسبانیدند لیکن ابدأ تأثیری در میان مردم نبخشید. در ۱۷ ماه مه محمدخان دولت‌آبادی بادو نفر از خویشان خود به قنسولخانه پناهنده گردید. سالارخان و اسدالله با یک عده بلوچ قلعه او را تصرف نمودند و از قراری که مذکور شد در آن نقطه گنجی پیدا نموده‌اند و در سر آن مشغول نزاعند.

سیستان

اهالی سیستان عموماً بموجب دستورالعمل انجمن مشهد به مأمورین شاه دربرجندمالیات نمی‌دهند. از قرار معلوم حسام‌الدوله سعی بوده است که اقتدار شاه را در آن نقاط محفوظ بدارد ولی به مقصود خود نائل نگشته است.

اصفهان

مابین خوانین بختیاری تا اواخر ماه مه نفاق مداومت داشت و هر چند که مصمم بودند نظر به تعهدات شاه قشون خود را مرخص نمایند و در واقع هم عده‌ای را مرخص کرده بودند ولی راپورت دروغی رسید که قشون دولتی کاشان مأمورند که بطرف اصفهان حرکت نمایند. این راپورت سبب شد که ۲۰۰ نفر مرخص شده را دومرتبه احضار نمودند. احتمال دارد که خوانین باستثنای سردار اسعد که تا ورود حاکم در اصفهان توقف خواهد نمود عموماً به ولایت خود مراجعت نمایند. تا یک اندازه تجارتخانه‌های انگلیس بواسطه ناامنی راه اهواز که ثمره نزاع مابین دستجات سردار محتشم و صمصام‌السلطنه است نگرانی دارند. صمصام‌السلطنه عدم مسئولیت خود را از هر حادثه اظهار می‌نماید و می‌گوید هر اتفاقی که حادث بشود باید محرك آن را ایل کوهکلویه [= کهگیلویه] دانست.

ژنرال قنصول اعلیحضرتی از طرف وزیر مختار انگلیس به خوانین یادآوری نموده است که دستجات بختیاری مسئول خسارات وارده به تجارتخانه انگلیس خواهند بود.

یزد

خبر استقرار مشروطیت که از طرف شاه اعلان شد مردم ابدأ اعتنائی نکردند و بخوشی نپذیرفتند. عقیده مردم این است که این اقدام شاه محض پیدا کردن فرصت است. یک عده از اهالی برآنند که شاه می‌خواهد بوسیله این اقدام مردم را وادار به پرداخت مالیات نموده که پس از آن دوباره اساس مشروطیت را برطرف سازد. کاروانی که از یزد بطرف مشهد می‌رفت در اواخر ماه آوریل سلامت وارد تربت شدند. جز از راه مشهد تمام معابر بواسطه دستجات دزد مسدود است و تغییر رئیس سواران قره‌سوران نیز بی‌اثر ماند.

در مدت این چند هفته اخیر دو اتفاق بدی نسبت به پارسیها روی داده: اول اینکه یک نفر زردشتی شراب فروش را مشتری بی‌جهت با تیر زد. بعد از چند روز فوت شد و قاتل در یکی از امامزاده‌ها متحصن گشت و پس از چند روز فرار نمود. دوم آنکه یک نفر جوانی که نزدیکی یزد با زور می‌خواست از یک پارسی پول بگیرد. پیرمرد پارسی دیگر که سابقاً از او هم پول گرفته بود خواسته است جلوگیری نماید زخم‌دانش کرده. زخم پیرمرد خیلی سخت است. مأمورین محلی نمی‌توانند اساس نظم را برقرار نمایند. وزیر مختار اعلیحضرتی در آن خصوص به سعدالدوله پروتست سختی نمود و در جواب سعدالدوله اظهار داشت که شاهزاده هؤیدالسلطنه به حکومت آن نقطه منصوب و با استعداد کامل برای حفظ امنیت و انتظام حرکت خواهد کرد.

کرمان

صاحب اختیار از حکومت معزول و نظام‌السلطنه منصوب گردید ولیکن هنوز از طهران حرکت ننموده و بواسطه بی‌حکومتی اوضاع کرمان بی‌اندازه خراب است. در اوائل ماه مه نایب حاجی ابراهیم به قنصلخانه پناهنده گردید ولی پس از آنکه اختیار شهر به عهده او واگذار شد از قنصلخانه خارج شد. در ۱۱ ماه ژون قنصل اعلیحضرتی تلگرافاً [= تلگرافی] اظهار داشت که اوضاع شهر و اطراف بی‌اندازه خراب است و بزرگان شهر در تدارک مقدمات تحصن قنصلخانه هستند بدلیل اینکه ابداً به شکایات آنها از طهران جواب داده نمی‌شود. در جواب یادداشت این مسئله سعدالدوله قول داد که نظام‌السلطنه را هرچه زودتر حرکت خواهم داد.

کرمانشاهان

ظهیرالدوله به حکومت منصوب گردید. انجمن محلی که در مشروطه سابق انتخاب شده بودند دوبرتبه مشغول کار شده‌اند لیکن در عوض اداره نمودن شهر مشغول مذاکرات و عملیات سیاسی می‌باشند.

همدان

در سکوت و خاموشی می‌گذرانند. استعداد ملی که بنا بود از قزوین اعزام شود هنوز نرسیده است. راه کرمانشاهان و همدان که چندی بواسطه اغتشاش دزدها مسدود بود دوبرتبه باز شده است.

شیراز

صولت‌الدوله باز در اوضاع شیراز دخالت عمده دارد. برحسب دعوت مشارالیه قنصل اعلیحضرتی در ۲ ماه مه به اردوی او که بفاصله چند میل شهر واقع است رفته و در چندین مسئله مذاکره نموده است لیکن در خیالات شخصی خود بکلی ساکت بوده فقط اظهار داشت که خیلی مایلم تادر سیاسیات شیراز دخالت ننمایم و از قوامیها بی‌اندازه دل‌آزرده و اظهار رنجش می‌نمود و می‌گفت که اصلاً آنها جنساً بی‌حقوق هستند. همچنین اظهار می‌نمود که قوامیها نمی‌توانند دیگر بعد از این در ایل عرب نافذ باشند. از مالاها بدگوئی می‌کرد و انجمن محلی شیراز را مسخره می‌نمود که بی‌قانونند. در خصوص شخص خود و ایل صحبت می‌کرد که می‌تواند تا مدت یک ماه راه بوشهر را منظم نماید ولیکن این اقدام وجوهات لازم دارد و او نمی‌تواند مطمئن باشد که مجلس یا شاه این مصارف را خواهند کارسازی کرد و بهمین ملاحظه اظهار می‌کرد که اگر بتواند هرچه زودتر از شیراز حرکت خواهد کرد و جز اینکه ایل خود را ساکت نگه دارد ابداً به پلتیک دخالت نخواهد کرد. از مذاکرات او همچو مستفاد می‌شد مسئله‌ای که مستر بیل سابقاً اشاره کرده بود که منصورالسلطنه در خفا مشغول است که ریاست ایل عرب را از قوامیها بگیرد صحت دارد.

در ۱۰ ماه مه صولت‌الدوله از اطراف شهر شیراز خارج شد و بطرف بیلاق خود رفت. در موقع حرکت صولت‌الدوله حکومت احترامات فوق‌العاده را منظور داشته و تا ۵ میل خارج شهر مشایعت کرد. حکومت سعی کاملی داشت که او را با قوام صلح بدهد و قوام هم در یکی از باغات شهر منتظر بود که از طرف حاکم خبر داده شود تا به ملاقات صولت‌الدوله برود، لیکن صولت‌الدوله دیدن او را قبول ننمود.

اعلان استقرار مشروطیت هیچ اثری در مردم نکرد. حتی مشروطه‌طلبها نیز ابداً اطمینان به این اعلان ننموده و منتظر جزئیات قانون مشروطیت هستند. بطریق معمول اهل شیراز مشغول پلتیک داخلی خود می‌باشند. حقیقت کلام این است که هیچکس از قول و امضای شاه اطمینان ندارد. مردم خیالات خود را از اقدام صولت‌الدوله بطرف اوضاع لار معطوف داشته‌اند و از آنجا هم اخبار متضاد متصل واصل می‌گردد. نصرالدوله قطع نظر از اینکه فتح کرده یا شکست خورده موقع مهم و خطرناکی دارد چون بنا به اصرار ملتیان حکومت مشارالیه را احضار کرده ولی مشارالیه امکان مراجعت ندارد بجهت اینکه همراهان نصرالدوله نه چنان با سید عبدالحسین بد هستند که این حکم را قبول نمایند و بعلاوه از طرف سید عبدالحسین چندین ماه است که به اهالی متصلاً اخطار می‌شود که نصرالدوله و برادرش کافر و واجب‌القتل هستند. در ۱۵ ماه مه [۲۵ اردی‌بهشت؛ ۲۴ ع ۲] حاجی علی آقا که یکی از ملاهای خیلی مشروطه‌طلب است بدون هیچ مقدمه بایسر خود به قنصلخانه پناهنده شد و اظهار می‌نمود که تلگرافی از بندرعباس برای او رسیده است که نصرالدوله لار را تصرف نموده و سید را کشته و بعد اهالی را غارت کرد، چون این اقدام بعد از عفو عمومی روی داده ممکن است که این اتفاق برای او هم رخ بدهد. همچنین اظهار می‌کرد که هیچ اطمینانی از آصف‌الدوله نخواهد پذیرفت چون آصف‌الدوله مکرر به انجمن اظهار نموده است که نصرالدوله به لار نخواهد رفت. باوجود این خلاف این مسئله را اجراء نموده است و جز اینکه از طرف سفارت به مشارالیه اطمینان داده شود از تسولگری خارج نخواهد شد. بعلاوه اظهار می‌نمود که ممکن است عده‌ای از ملتیان نیز مثل او به قنصلخانه متحصن شوند. ۸ نفر از اشخاص معروف دیگر نیز به قنصلخانه پناهنده شدند و عده زیادی از مردم هم در بیرون قنصلخانه جمع و از قوام شکایت می‌نمایند.

بالاخره مستر بیل پس از آنکه با حاکم و قوام ملاقات نمود و اطمینان کتبی گرفت تمام متحصنین را غیر از حاجی علی آقا از قنصلخانه خارج [کرد] و جمعیت نیز متفرق شدند، ولی بازارها چند روز است بسته و در مساجد برای سید ختم گذاشته‌اند. غوغای قدری خاموشی پذیرفته و مابین آصف‌الدوله و قوام در خصوص اعزام نصرالدوله نزاع است.

آصف‌الدوله اظهار می‌نماید که نصرالدوله را دن نفرستاده‌ام ولی قوام می‌گوید که بموجب حکم کتبی تو بوده است که نصرالدوله به لار رفت. قوامیها بیشتر به عطا‌الدوله حمله می‌آورند که محرک فتنه و غوغای هفته گذشته او بوده است.

در ۲۱ ماه [۳۱ اردی‌بهشت؛ ۳۰ ع ۲] در کوچی به یکی از ملاهای معروف حمله بردند و کتک زیادی زدند بطوری که جانس در خطر بود. روز بعد نیز در همان محل ملای دیگری دچار حمله گردید. عطا‌الدوله به همین دلیل کدخدای محل را بچوب بست.

اهالی آن محله شروع به اغتشاش نموده و با محله قوام همدست شده‌اند. عطاءالدوله از قوام خواهش نمود که اهالی محله خود را ساکت‌نماید و مشارالیه جواب‌داده‌است که این اقدام در صورتی می‌تواند انجام پذیرد که عطاءالدوله را معزول نمایند.

از تلگراف مورخه ۳ ماه مه چنان معلوم می‌شود که نصرالدوله تلگرافاً [= تلگرافی] به شاه شکایت نموده است که حاکم از روی تحریک بعضی از اعضاء انجمن مشارالیه را از لار احضار نموده در صورتی که کلیه این اقدامات پس از زحمات دوساله به حکم خود شاه بوده است. بنابراین استدعا کرده است تا جواب این تلگراف را بتوسط برادرش قوام مخابره نمایند.

طرق و شوارع فارس در نهایت ناامنی و پست‌زنی زیاده از حد معمول شده است. در نزدیکی کنار تخت [کنار تخته؟] مابین مردم نزاع سختی سر گرفته که در آن نزاع تلگرانخانه «هند و اروپا» را محاصره و اسباب خسارت را فراهم آورده‌اند. حاکم یک‌عده سربازی برای محافظت اداره تلگرافخانه فرستاده است. از قرار معلوم در وقتی که کفیل ژنرال قنصلگری روس مقیم بوشهر به شیراز می‌آمده است دچار چند تیر شلیک می‌شود. اسب سواری او با یک اسب دیگر تیرخورده و کشته شدند. تجار معتبر ایرانی شیراز تلگرافاً [تلگرافی] از بی‌نظمی ولایت و بی‌لیاقتی حاکم به وزیر داخله شکایت نموده‌اند. برای استقرار آسایش عموم بهترین وسیله عبارت از تعیین حکومت مقتدر تواند بود.

حاکم رسماً به قنصلخانه اعلیحضرتی اعلان نموده است که صولت‌الدوله انتظام و امنیت نصف راه فیروزآباد و بوشهر را به عهده خود گرفت. به این زودی نمی‌شود تصدیق کرد که این تعهد موجب آن تواند شد که دوباره تجارت به مرتبه اولیه خود برگشته و انتظام برقرار شود.

خوب است که برای نمونه انتظام این صفحات قضیه‌ای را که چندی قبل واقع شده من‌باب مثل ذکر نمایم.

چندی قبل حکومت می‌خواست مکتوبی به رئیس ایل قشقائی بفرستد، نظریه ناامنی راه قاصد پیدا نمی‌کرد. در ۱۱ ماه مه [۲۱ اردیبهشت؛ ۲۰ ع ۲] صد نفر از سربازهای فوج ۴ محل [چهارم‌حال؟] بواسطه نرسیدن حقوق به قنصلخانه پناهنده شدند. مسترییل در این خصوص با حاکم مذاکره غیر رسمی نمود و حاکم نیز قول داد که حقوق آنها را بپردازد ولی تا آخر ماه مه سربازها در قنصلخانه متحصن بودند.

بنادر فارس

بوشهر

در ۲۷ ماه آوریل [۷ اردیبهشت؛ ۶ ع ۲] صد نفر سرباز بواسطه نرسیدن حقوق به قنصلخانه انگلیس پناهنده شدند. در ۶ ماه مه [۱۶ اردیبهشت؛ ۱۵ ع ۲] بعد از رسیدن مقداری از حقوق، سربازها راضی شدند که از قنصلخانه خارج بشوند و اطمینان کتبی به ژنرال قنصل اعلیحضرتی داده شد که سربازها را به ملاحظه این اقدام مجازات نمایند.

اوضاع گمرک بوشهر به حال طبیعی برگشته است.

چندی بود که عایدات گمرک بواسطه ناامنی راهها خیلی نقصان پذیرفته بود. پس از وضع مخارج گمرک و مقدار پولی که برای حفظ انتظام به حاکم می دادند مبلغ ۱۲۰،۰۰۰ تومان باقی می ماند و آن را هم در حساب پول استقراض که به دولت ایران داده با تنزیل به بانک شاهنشاهی می دادند.

در ۱۹ و ۲۰ ماه مه [۲۹ و ۳۰ اردیبهشت؛ ۲۸ و ۲۹ ع ۲] استعداد بحری انگلیس از شهر خارج شد و بعد از ورود دریاییگی نظم بخوبی برقرار گشت جز اینکه سید مرتضی که بواسطه حرکات خود موجبات عدم آسایش و آسودگی عموم را فراهم می نمود یک دسته تنگستانی را وارد شهر کرد لیکن دریاییگی با اقدامات مجدانه آنها را از شهر خارج و از قرار راپورت ۹ ماه ژون [۱۸ خرداد؛ ۱۹ ج ۱] خود سید مرتضی را نیز حبس کرده است.

بندر عباس

در تمام مدت ماه آوریل سید عبدالحسین لاری متصل به ملتیان بندرعباس سفارش می داد که گمرک را توقیف نمایند. در جواب اهالی که این اقدام امکان پذیر نیست با اعزام قشون و اجرای حکم خود مردم را تهدید می کرد و این حرکات باعث اضطراب اهالی می شد و هر چند که در ماه مه نصرالدوله لار را تصرف نموده و از قرار راپورت خود سید را نیز حبس کرده بود باز در ۲۹ ماه مه ژنرال قنصول اعلی حضرتی راپورت داد که اهالی بندرعباس به احتمال آمدن سید مضطرب و پریشانند و پیشنهاد کرده بود که از دولت ایران درخواست شود که در دفع سید اقدامی نمایند.

در جواب مذاکرات من با سعدالدوله مشارالیه اظهار داشت که عجلتاً برای دولت هیچ قسم امکان ندارد.

بملاحظه تهدیدات یک نفر، میر برکت خان، با عده زیادی از بلوچ نسبت به اهالی میناب، هندیهای تبعه انگلیس مقیم میناب در ۱۲ ماه آوریل با تمام اثاثیه خود به بندرعباس آمدند.

لنگه

احکام مکرره سید عبدالحسین لاری که برای توقیف گمرک و عزل رئیس خطاب به ملتیان صادر می شد بکلی بی اثر ماند. اعلانی که با مهر سید در تمام بازارها چسبانیده بودند راجع به اینکه هرکس گمرک بدهد ملتیان می توانند او را جریمه نمایند از طرف حکومت پاره شد.

ماژور استوکس آتاشه میلپتر سفارت انگلیس

نمره - ۹۱

کاغذ سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۸ ژون ۱۹۰۹ [۲۸ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج

۱ - ۱۳۲۷] از قلهک.

آقا

افتخار دارم که سواد قرارنامه استقراضی را که در تلگراف اول ماه ژون راپورت داده بودم تقدیم نمایم.

همکار روس من قرارنامه مذکور را به دولت متبوعه خود فرستاده است که تصویب نمایند. مسیو سابلین اطلاع داد که از دولت متبوعه او جواب رسیده است. در آن جواب دستور العمل می دهند نمایند بانک که در آرٹیکل اول مذکور است باید آن را سفارت روس و رئیس بانک تعیین نمایند و آن نماینده بدون اجازه مسیو سابلین نمی تواند به دولت ایران پولی کارسازی نماید و با شرایط فوق قرارنامه قبول شد.

در خصوص مصارف، دستورالعمل برای مسیو سابلین رسیده است که محل مصرف عمده عبارت از پرداخت حقوق عقب افتاده قشون و مخصوصاً بریگارد قزاق و حقوق عقب افتاده سفرای خارجه ایران است.

بارکلی

ضمیمه در نمره ۹۱

صورت قرارنامه استقراض

مابین دولت امپراطوری ایران به نمایندگی جناب وزیر امور خارجه و کفیل ریاست وزراء و بانک استقراضی ایران به نمایندگی «مسیو اکزامپنلاروف»، نظر به اجراء داشتن اعلیحضرت شاه مواد اول تا پنجم نصابی دوستانه ای را که از طرف دولتین روس و انگلیس به ایشان پیشنهاد شده بود، در خصوص استقرار اساس مشروطیت در ایران و بسط آسایش و امنیت در مملکت بطوری که در ماده ششم این پروگرام مقرر است فقرات ذیل قرار داده شد. ماده اول: به امر دولت امپراطوری ایران دولت امپراطوری روس مبلغ دو میلیون و پانصد هزار فرانک که به بانک استقراضی ایران در طهران تأدیه شده به تصرف دولت ایران واگذار می کند به ملاحظه شرایط ذیل:

شرط اول: مبلغ مزبور فوق مقرر است که برای انجام مصارف فوری لازم در اجرای اصلاحات از روی پروگرامی که مابین سفارت روس و دولت ایران مقرر خواهد شد خرج بشود.

شرط دوم: هر حواله باید بر حسب حکم وزیر مسؤل آن وزارتخانه بوده و به امضای وزیر مالیه رسیده باشد به این عبارت «ملاحظه شد، پرداخته شد».

شرط سوم: مابین دولت ایران و سفارت روس یک نفر تحویلدار معین می شود که مأموریت آن عبارت از پرداخت مخارجی خواهد بود که باید این پول به آن مصرف برسد.

شرط چهارم: هیئت وزراء باید محل مصارف این پول را به مجلس نشان بدهند.

ماده دوم: این مساعده به همان ضمانت قروض گذشته سال ۱۹۰۲ [۱۲۸۰ ش ۱۳۱۹ هـ] بین دولت ایران و بانک استقراضی خواهد بود.

ماده سوم: مبلغ تنزیل در صدی شش مقرر است که در هر شش ماه پرداخته شود.

ماده چهارم: این قرارداد نسختین به زبان فارسی و فرانسه به یک مضمون نوشته شده است.

طهران

www.adabestanekave.com

نمره - ۹۲

صورت یادداشتی که در پنجم ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] کنت بنکاندورف [بنکندورف]، سفیر کبیر دولت روسیه مقیم لندن به وزارت امور خارجه انگلیس فرستاده است:

با وجود اقداماتی که دولت شاه بروفق نصاب روس و انگلیس برای برقراری حکومت ملی و انجام اصلاحات لازمه کرده است باز هم حرکات رولوسیونرها در مرکز ایران خاموش نشده است.

اقداماتی که سفارتین روس و انگلیس برای جلوگیری از پیش آمدن بختیاریها در تحت فرمان سردار اسعد (یکی از خوانین ایل بختیاری) و رولوسیونرهای قزوین و رشت و اشخاص بی سروپای هرزه گرد قفقازی در تحت فرمان سپهدار حاکم گیلان نموده بودند تاکنون بی اثر مانده است.

قشون مخالفین شاه متدرجاً به طهران نزدیک می شوند و در پایتخت هم عناصر قوی با آنها همراه هستند و از حالا آثار هیجان در آنها مشهود است.

پس از ملاحظات دقیقه اوضاع مشروحه فوق، دولت امپراطوری مصمم شده است که پلتيك روسیه را در ایران به همان اساس عدم دخالت در امورات داخلی مملکت و نزاع مابین شاه و ملت با قطع نظر از نتایج آن امتداد و پایدار نماید. لیکن باید يك مسئله را دائماً منظور نظر خود نموده و فراموش نکنیم که ورود بختیاریها و رولوسیونرها به طهران ممکن است که باعث مخاطرات عظیمه برای سفارتخانهها و تجارتخانهها و اتباع خارجه بشود. بعلاوه، بهوجب اطلاعاتی که داریم برای راه انزلی و طهران ما مخاطرات زیادتر خواهد بود چون قشون منظم ایران عبارت از بریگاد قزاق است که عده شان خیلی کم و بالطبع از برقراری نظم عاجز خواهند بود. نظر به ملاحظه این پیشامدها طبعاً مجبوریم که برای حفظ اتباع خود و خارجه اقدامات لازم را نموده و راه انزلی و طهران را هر طور که باشد امن نگاهداریم.

نظر به این مقصود مصمم هستیم فوراً يك دسته مرکب از يك فوج قزاق و يك باتالیون پیاده و يك باطری توپخانه از بادکوبه به انزلی عزیزت دهیم. قشون مذکور از قزوین جلوتر نخواهند رفت و حافظ نظم راه خواهند بود مگر به اتفاق، حوادثی پیش رفتن را تقاضا نماید و سفارت امپراطوری طهران حکم کند. البته این هم در وقت ظهور خطر بزرگی خواهد شد.

به رئیس قشون دستورالعمل لازم داده شده است که مقصود ما فقط حفظ سفارتخانه و اتباع روس و خارجه است و نباید در امور داخلی مملکت و پلتيکی ایران دخالت نمایند.

قشون روس تا مدتی در ایران توقف خواهد کرد که مال و جان اتباع خارجه و سفرای دول کسب امنیت نمایند.

مورخه چهارم ژوئیه ۱۹۰۹. سفارت روسیه در لندن

نمره - ۹۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری، مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹. [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل و ماژور استوکس از پیش سردار اسعد و سپهدار مراجعت کردند. از قرار معلوم مذاکرات متحدالمال سفارتین به هیچ کدام از رؤسای ملتیان اثری نبخشیده است. سپهدار تقاضای چندی پیشنهاد کرده و قول داده است تا فردا ظهر منتظر جواب بشود. به عقیده ماژور استوکس، شکست دیروزی بهیچوجه ملتیان قزوین را مأیوس نکرده است.

نمره - ۹۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلا مجملی از مراسله ملتیان طهران است که به سفارت فرستاده‌اند: «مشروطه‌طلبهای ایران با وجود اینکه حرکت قشون ملی رو به طهران فقط برای این است که از شاه درخواست اجرای قول خود را نمایند تأسف دارند که در بعضی نقاط این اقدام را برای اذیت اتباع خارجه تعبیر می‌نمایند. این خیال بکلی بی‌اصل است و اتباع خارجه در خطر ملتیان نیستند و جان و مالشان همیشه در امان است و در موقع لزوم خود ملتیان منافع آنان را حفظ خواهند کرد.»

نمره - ۹۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به ژنرال قنسول روس مقیم تبریز دستورالعمل فرستاده است که باتفاق ژنرال قنسول عثمانی ترتیب حرکت ستارخان و باقرخان را فراهم نمایند. امنیت آنها تا باطوم به عهده ژنرال روسی است و در صورتیکه بعد از مراجعت قشون روس از تبریز دوبرتبه ستارخان و باقرخان بخواهند به تبریز مراجعت نمایند تا جلفا آنها را سلامت خواهند رسانید.

ژنرال قنسول عثمانی در مسئله ضمانت اموال آنها ترتیب خاصی با دولت ایران خواهد داد.

نمره - ۹۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تقاضاهای سپهدار به قرار ذیل است:

(۱) اجازه داده شود که او و سردار اسعد هر کدام با صد و پنجاه نفر برای مذاکره مطالب ذیل به طهران آیند.

(۲) دول همجوار قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.

(۳) تا مدتی که مجلس منعقد نشده انجمنهای ولایات وزراء را معین نمایند.

(۴) اشخاصی [را] که مردم از آنها اطمینان ندارند و وجود آنان را خائن می‌پندارند نفی بلد نمایند.

(۵) اشخاصی که سابقاً در قشون نبودند و بتازگی مسلح شده‌اند آنها را خلع سلاح نمایند.

(۶) قشون در تحت حکم وزیر جنگ گذاشته شود.

(۷) حکام محل بتصویب انجمنهای محلی انتخاب شوند.

(۸) وزیر پست و تلگراف معزول بشود.

من و همکار روس من به سپهدار اطلاع دادیم که تقاضای او را پیشنهاد به دولت متبوعه خود نمودیم. چون ماده ۴ و ۷ این پیشنهاد در تحت پروگرام دولتین است اگر ایشان راضی بشوند ما آنها را به شاه پیشنهاد خواهیم کرد و الا پیشنهاد ما بکلی بی‌ثمر است.

نمره - ۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر بارکلی مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

متحدالمآل بنکاندورف [بنکندورف] در خصوص اقدامات دولت روسیه که در نظر دارد برای من رسیده است.

من جواب دادم اگر اوضاع اینطور خطرناک باشد که اعزام قشون را لازم بداند البته نظر به مواد متحدالمآل که اقدامات قشون را واضح و محدود نموده است من خرسند خواهم شد و نیز اظهار داشتم که تجربیات به ما معلوم نموده است که هر نوع دخالتی ممکن است اشکال و زحمتی تولید نماید و بهمین ملاحظه حس می‌نمایم که لازم است پیشامد این قسم مخاطرات را خاطر نشان نمایم. بعلاوه گفتم در روابط حسنه که بین ما و دولت روسیه موجود است در این اقدام لشکرکشی بهیچوجه لطمه‌بردار نخواهد شد و هر اتفاقی که رخ بدهد آرزوی صمیمانه من این است که حفظ روابط دوستانه خود را با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] نموده باشم.

نمره - ۹۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

اعزام قشون روس

مسیو سابلین به من اطلاع داد که دستورالعمل دارد تا دولت ایران و دسته ملتیان را از فرستادن قشون روس مطلع سازد و مأمور است توضیحاً بیان نماید که مقصود اصلی فقط حفظ جان و مال اروپاییها است ولی اگر برای منافع اتباع خارجه در طهران مخاطراتی عارض نشود از قزوین حرکت نخواهند کرد.

نمره - ۹۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

قنصل روس و انگلیس از شیراز برحسب راپورت اوضاع آن صفحه را خرابتر نشان می‌دهند و من با مستر بیل در خصوص اقدامات لازمه مشغول مذاکره هستیم. به نظر من بر حسب تلگرافات قنصلها هر دقیقه احتمال دارد که آتش فتنه در شهر شیراز بالا بگیرد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۰۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

رئیس ملتیان [در] جواب متحدالمآلی که برای من و همکار روسم فرستاده است معلوم می‌دارد که سفارتین نمی‌توانند آنها را از حرکت رو به پایتخت منصرف بدارند. در آن جواب اسمی از اظهار مساعدت ما در خصوص عزل وزیر پست و تلگراف و اخراج خائنین نیاورده بودند. آنها اظهار می‌نمایند این شکل مشروطه ابداً ثمری نخواهد بخشید که مستبدین و خائنین مصادر امور واقع بشوند. بعلاوه تأخیر زیاد در نشر قانون انتخابات می‌نمایند و اقداماتی که تاکنون نموده‌اند تماماً بر خلاف حقوق مسلمه و قانون اساسی ایران بوده است. به همین ملاحظه مشروطه‌طلبها بر حسب اقتضای موقع لازم می‌دانند که برای اضمحلال خائنین اقدامات کافی خود را نموده باشند. ملت ایران پس از تحصیل اطمینان به معاهده دولتین با همدیگر که آزادی ایران را باید محترم شمارند گمان می‌کنند که در درخواست حقوق ملی خود آزاد می‌باشند.

دیروز قانون انتخابات منتشر گردید. من به سعدالدوله اصرار نمودم که سواد این

قانون را برای سپهدار و سردار اسعد بفرستد.

نمره - ۱۰۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

همکار روس من اطلاع داد که می‌خواهد به دولت متبوعه خود تلگراف نماید هر چند که قانون انتخابات را منتشر نمودند ولی نظر به اقتضای وقت اگر از طرف دولت روسیه به شاه درباب پول مساعدت نمایند در نظر عموم طور دیگر ملحوظ افتاده بعلاوه خیلی مشکل است که در این موقع اطمینان کرد که این‌وجه به مصارف اصلیه منظور و مخصوصاً برای پرداخت حقوق قشون شاه صرف بشود.

نمره - ۱۰۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

ذیلا تلگرافی است که در ۵ ماه ژوئیه از بوشهر رسیده است. مراسله‌ای از انجمن محلی به امضای ۵ نفر از علمای بزرگ و ۵ نفر از تجار معتبر برای من رسیده است و مفاد آن مراسله این است: نظر به حوادثی که در نقاط دیگر اتفاق افتاده لازم است انجمن بعد از این ادارات دولتی و گمرکات را در تحت نظارت مستقیم خود نگاهداری نماید. پس عایدی گمرک باید به اطلاع یک عده از اعضای انجمن به اسم ملت به بانک شاهنشاهی سپرده شود. انجمن ادعای دولت انگلیس را در خصوص مقداری از عایدات گمرکی تصدیق نموده و ضمناً اظهار می‌دارد که بعد از ارائه اسناد راجعه به این مسئله ترتیبی برای پرداخت اصل و فرع که از گمرکات بوشهر و بندرعباس باید داده شود با ژنرال قنصل قرارناد خواهد شد. در آن مراسله از بندر لنگه اسمی نبرده ولی گمان می‌کنم که آنجا هم داخل بوده باشد.

بعلاوه در آن مراسله مذکور بود که احترامات لازمه از قنصلخانه و مأمورین انگلیس نموده جان و مال اتباع کاهلا محفوظ خواهد بود. در آخر آن مراسله همراهی انگلیس را در حفظ حقوق ملت ایران عموماً و در این مسئله خصوصاً تقاضا می‌نماید.

نمره - ۱۰۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

تلگراف ذیل از ژنرال قنصل اعلیحضرتی مقیم بوشهر مخابره شده است. مراسله‌ای که

در تلگراف قبل خود بیان نمودم از قرار معلوم نتیجه دستورالعمل انجمن تبریز و علمای نجف بوده و سید اسدالله نجفی که با حاکم به بوشهر آمد حامل این دستور بوده است. امروز دریابییگی در خصوص این مسئله با من ملاقات کرد و گفت مقصود عمده رؤسای ملت این است که عایدات گمرکی به طهران فرستاده نشود. دریابییگی خواهش می کرد که عقیده خود را در خصوص مراسله انجمن به او اظهار دارم ولی جواب دادم که رسماً نمی توانم به این مراسله جواب بدهم تا زمانی که از سفارت متبوعه خود دستورالعمل داده شود. به عقیده من این اقدام انجمن تا یک اندازه تندروی و غیرلازم بوده، علاوه باعث نتایجی خواهد شد که جلوگیری از آن مقصود عمده ما هست.

من به دریابییگی خاطر نشان نمودم که در نقاط بنادر فارس هیچ فرقه ارتجاعی که درباره آنها احتمال مخالفت داده شود به نظر نمی آید پس اگر مشروطه طلبها صبر کرده و منتظر اقدامات طهران شوند چیزی را گم نخواهند کرد.

نظر به مطالب فوق شخصاً انجمن را نصیحت می نمایم که از اقدامات و پیشنهادهای خود صرف نظر نمایند.

پیغام شفاهی به انجمن فرستادم که پس از رسیدن دستورالعمل جواب رسمی داده خواهد شد.

نمره - ۱۰۴

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

به سفارتخانه های خارجه از طرف سپهدار تلگرافی که متضمن مذاکرات ما با ایشان و تقاضاهای او از شاه و جوابهای ما راجع به آن تقاضاها است مخابره شده. سپهدار در آن تلگراف اظهار می نماید که اگر دربار بنا به نصایح نمایندگان تقاضاهای ملت را در استقرار مشروطیت قبول کرده و در اجرای آن اقدامات لازمه نمایند. اتباع من نسبت به شاه خادم حقیقی بوده ولی اگر بواسطه تعویق انجام مسائل مذکوره مجبور باشند که خود اقدامات مجدانه نمایند البته این اقدام در نزد تمام عالم پسندیده و حرکت عادلانه محسوب خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۰۵

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که قشون اعزام شده به انزلی مرکب از ۵۰۰ نفر قزاق و یک باطری ۴ توپی و یک باتالیون پیاده است. احکام صاحب منصبان فرمانده قشون را برای من قرائت نمود مخصوصاً آن احکام مقصود از فرستادن آنها را به ایران بخوبی

معلوم می‌دارد. دیروز صبح قسمتی از این قشون وارد انزلی شدند.

نمره - ۱۰۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
سردار اسعد و سپهدار به وزیر امور خارجه که برخلاف حکم طبیب مشغول کار است تلگراف نموده‌اند.
سعدالدوله جواب داده است که حاضرم با نمایندۀ آنها در مسئله مشروعی که اسباب صلح خواهد بود مذاکره نمایم.
در ضمن همین جواب خاطر نشان نموده است بعضی از تقاضاها که برخلاف قوانین مشروطیت است از طرف شاه پذیرفته نخواهد شد.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
ذیلا تلگرافی است که به تاریخ دیروز از کفیل ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده است.
من از يك مخاطره بزرگی که در پیش است اطلاع تحصیل کرده‌ام ولی آن خطر در این زودیها واقع نخواهد شد. خطر این است که سید لاری بنا به دعوت حکومت با استعداد کافی برای سرکوبی قوام رو به شیراز می‌آید.
سید لاری که مشهور به هرزگی است اگر موفق به آمدن شیراز بشود جای ترس دارد که به قنسولخانه روس اذیت نماید.
همکار روس من خیال دارد که بر قزاقهای مستحفظ خود بیفزاید.
ممکن است اطلاع بدهید که در صورت لزوم می‌شود از بوشهر به اینجا استعداد رساند

نمره - ۱۰۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهاک.
خواهش دارم تلگراف مرا که متضمن تلگراف دیروز مستر بیل است ملاحظه فرمایید و من در جواب تلگراف ذیل را مخابره کرده‌ام.
خواهش دارم به حکومت اطلاع دهید که او شخصاً مسؤول خساراتی خواهد بود که از
۱- به همین گونه است در اصل. - ۴.

آمدن سید لاری به شیراز و اغتشاش شهر به اتباع انگلیس وارد آید. من به دولت ایران اصرار می‌نمایم که دستورالعمل لازمه به حکومت شیراز بدهند که حتی‌الامکان از آمدن سید لاری جلوگیری نماید. از مسیو سابلین خواهش نمودند که همین دستورالعمل را به همکار روس شما بفرستد. جمله اول تلگراف شما را برای ژنرال قنصل اعلیحضرتی فرستادم و در خصوص اعزام استعداد به بوشهر در صورت لزوم مذاکره خواهیم کرد. خوب است شما جویا بشوید که چه اندازه استعداد کافی است.

نمره - ۱۰۹

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
دولت ایران از رؤسای ملتیان دعوت نموده است که برای مذاکرات از طرف آنها نماینده فرستاده شود.
(خواهش دارم تلگراف مورخه ۱۰ ژوئیه مرا ملاحظه فرمایند.)
برای من و همکار روسم بهترین موقع مناسبی است که نفوذ خود را برای اصلاح طرفین بکار بریم.

ما به رؤسای ملتیان اطمینان دادیم که به عقیده ما هر تقاضائی که از طرف آنها بشود به شرط آنکه موافق اساس مشروطیت باشد مقبول شاه خواهد گردید در صورتی که آنها هم از طرف خود نماینده بفرستند.

نمره - ۱۱۰

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از طهران.

طهران

از ۱۰ ماه ژوئیه تا کنون در ۱۴ میل غربی شهر جنگ شروع شده است. سردار اسعد و سپهدار از طرف ملتیان و امیر مفخم که یکی از خوانین بختیاری است با عده قلیلی از همراهان خود از طرف دولت در آن جنگ حضور دارند. از قراری که شنیدم ممکن است امتداد پیدا نماید ولی عجالتاً شدت ندارد اگرچه از جزئیات اطلاع ندارم.

نمره - ۱۱۱

تلگراف سر بار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

از قراری که من اطلاع حاصل کردم اوضاع حالیه شیراز این است که آصف‌الدوله برای

سرکوبی قوامیها قشقائی و سید عبدالحسین لاری را احضار نموده است. قوامیها هم اگر بخواهند می‌توانند ایل عرب اطراف را به حمایت خود احضار نمایند. اینقدر که می‌توانم پیش‌بینی نمایم این اوضاع را فقط ظل‌السلطان می‌تواند خاموش نماید. ولی برای اینکه در اوضاع عجالتاً بهبودی حاصل شود فقط اعلان حکومت ظل‌السلطان بی‌نتیجه نخواهد بود. به همین دلیل من و همکار روسم به دولت ایران اصرار می‌نماییم که اعلان حکومت ظل‌السلطان را رسماً منتشر نماید.

نمره - ۱۱۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

بتوسط تلفون که بعد سیم آن پاره و قطع شد به من اطلاع دادند که فداییها امروز صبح وارد طهران شدند و شهر را تصرف نمودند. بقدر امکان خبر دارم که در شهر نظم برقرار است ولی به ماژور استکس و مسیو چرچیل دستورالعمل دادم که به شهر رفته و معلومات تحصیل نمایند.

نمره - ۱۱۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

تعیین ظل‌السلطان به حکومت فارس رسماً اعلان شد. سردار مسعود پسر ظل‌السلطان تا ورود او به ایران نایب‌الحکومه شیراز خواهد بود. وزیر امور خارجه تلگرافاً [= تلگرافی] به ظل‌السلطان اطلاع داد که تعیین ایشان به حکومت فارس رسماً اعلان شد و سردار مسعود سریعاً از طرف او به شیراز خواهد رفت (راجع به تلگراف ۱۲ ژوئیه من).

نمره - ۱۱۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهک.

بهارستان و محلات شمالی طهران در دست ملتیان است. قشون دولتی قزاقخانه و میدان توپخانه را که فعلاً در آن نقاط دعوا است هنوز در دست دارند. ابدأ غارت کرده نشده و برای اتباع خارجه مخاطره نیست مگر اینکه سهواً تیری بخورد. از قراری که اطلاع دارم قشون ملی خود را از دست قشون دولتی خارج نموده و بدون هیچ مقاومتی وارد طهران شدند. به مسیو سابلین خبر وحشتناکی از شهر رسید لیکن عجالتاً برای ایشان اطمینان حاصل است. از طرف رؤسای ملتیان به ما اطمینان

کامل داده شد که جان و مال اتباع خارجه محفوظ خواهد بود.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از قلهک.

مستر چرچیل الان از شهر رسید و اطلاع می‌دهد که در نزدیکی توپخانه هنوز جنگ ملایمی مداومت دارد.

نقاط دیگر شهر خاموش و هر دو طرف عموماً مشغول مدافعه هستند. ملتیان محلات اروپاییها و مجلس را سنگر بسته و دولتیان قزاقخانه را که محل عمده آنها است در دست دارند و يك قوه جزئی هم در میدان توپخانه است.

من از مستر چرچیل اطلاع تحصیل کردم که سردار اسعد امیدوار است که شاه زود به بست رفته و به جنگ خاتمه داده خواهد شد.

نمره - ۱۱۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از قلهک.

شیراز

ژنرال قنصول اعلیحضرتی مقیم بوشهر ۲۵ نفر از مستحفظین خود و امیرال هم يك ماکسیم با چهار و پنج نفر در تحت فرمان يك صاحب منصب در صورت لزوم می‌توانند به شیراز بفرستند. کشتی جنگی موقتی در بوشهر توقف خواهد نمود. نظر به حکومت ظل السلطان سید لاری ممکن است صرف نظر از خیال آمدن شیراز نماید و در اوضاع بهبودی حاصل شود. با وجود این خیلی خوشحال خواهیم شد که اجازه اعزام این استعداد را (در صورت لزوم که امیدوارم اتفاق نیفتد) به شیراز بدهند.

نمره - ۱۱۷

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۴ ج ۲-۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

احتمال اغتشاش در شیراز

(تلگراف ۱۳ ژوئیه خودتان را ملاحظه نمایید).

ما از وزارت بحریه تقاضا نمودیم که به فرمانده کشتی «اسفینکس» دستورالعمل بفرستند تا هر اقدامی را که ماژور کاکس با مشورت قنصول اعلیحضرتی شیراز و شما لازم بداند بموقع اجراء بگذارند. لیکن قنصولهای مذکور نباید هیچ اقدامی را بدون دستورالعمل شما

بکنند. ما از وزارت بحریه اطلاع تحصیل کردیم که قنصل اعلیحضرتی شیراز تقاضانموده تا در صورت لزوم يك دسته با توپ ماکسیم همراه سپاهیها بیایند.

نمره - ۱۱۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

يك باطری توپ نزدیک مدرسه امریکایی گذاشته شده و قزاقهای ایرانی از این نقطه قشون را بمبارده می کنند.

نمره - ۱۱۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

قشون دولتی شروع به بمبارده شهر نمود. من و مسیو سابلین می خواهیم فوراً به سلطنت آباد نزد شاه رفته و اصرار نماییم تا قدری جنگ را متارکه و با ملتیان مشغول مذاکره بشوند. در ساعت ۸ صبح مترجمین سفارتین به طهران رفتند تا با رؤسای ملتیان ملاقات کرده و آنها را وادارند که با شاه مشغول مذاکره بشوند. این اقدام بر وفق خواهش خود شاه است. از قرار معلوم جنگ اشتداد یافته و بیم آن می رود که مترجمین نتوانند به شهر داخل بشوند. دیروز شاه قول داد که شهر را بمبارده ننماید.

نمره - ۱۲۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۵ ج ۲-۱۳۲۷] از قلحك.

در تلگراف امروز صبح بمباردهمان طهران و خیال مذاکره با شاه راپورت داده شد. افتخار دارم از اظهار اینکه ملاقات ما با شاه که خیلی غمناک و اندوهگین بود موفقیت حاصل نکرد. ما از شاه استدعا کردیم که از بمبارده شهر جلوگیری نموده و اعلان متارکه بدهند تا اینکه شروع به مذاکره بشود.

شاه در جواب اظهار شکایت کرد که در موقعی که به اندازه کفایت قشون داشت و می توانست به رولوسیونرها غلبه نماید ما ممانعت نمودیم حالا که آنها در طهرانند و به عمارت او حمله ور شده اند باید محض محافظت خود هر اقدامی که از دستش برآید مضایقه ننماید. در موقعی که قشون او دچار حملات شده چگونه می تواند اعلان متارکه بدهد. این بر ما است که طرف مقابل را مجبور نماییم تا دست از جنگ کشیده و هر تقاضائی که

دارند بکنند.

ما در جواب گفتیم در تمام این مدت سعی کامل نمودیم که مابین اعلیحضرت و رعایای خودتان صلح بشود. نصیحتی که به ملتیان دادیم بدبختانه پذیرفته نشد. و حالا هم اگر بخواهیم تقاضای خلع سلاح نماییم نظر به موفقیت آنها که زیاده احتمال دارد البته قبول نخواهند کرد. در صورتی که بتوانیم به آنها اطمینان بدهیم که خیال شاه ثابت و صمیمانه است و جنگ را متارکه می‌دهد آنوقت ممکن است بتوانیم آنچه را که تاکنون موفق شده‌اند همانعت نماییم. اعلیحضرت شاه این پیشنهاد ما را قبول نکردند. در هنگام مرخصی وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و اظهار داشتیم که تقاضای ما از ملتیان که خلع سلاح بنمایند بی‌فایده است. او از ما خواهش کرد که پیش از اینکه سردار اسعد را از نتیجه ملاقات خود مطلع سازیم منتظر نتیجه ملاقاتی که الان از شاه خواهد نمود بشویم. ما این مطلب را قبول نمودیم ولی تاکنون وزیر امور خارجه به ما اطلاع نداده است. بعلت بمبارده مسیو چرچیل و بارنوسکی نتوانستند امروز صبح داخل طهران بشوند.

نمره - ۱۲۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۷] از قلعهک.

اگرچه قشون شاه دیروز هر ساعت يك مرتبه شهر را توپ می‌بستند ولی خسارت عمده وارد نیاوردند.

در شهر مقاومت قشون دولتی تقریباً از دیشب نزدیک به اتمام است. و برای تسلیم قزاقخانه مابین کولونل لیاخف و رؤسای ملتیان مذاکرات جریان دارد. به اندازه‌ای که اطلاع دارم جز اینکه اراندل يك خانه انگلیسی را غارت کردند و خسارت جزئی از بمبارده وارد آمد دیگر ضرر مالی و خطر جانی برای اتباع خارجه روی نداده است.

نمره - ۱۲۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۷] از قلعهک.

شیراز

از ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخبره شده است: بواسطه اعلان [تفویض] حکومت فارس [به] ظل‌السلطان اوضاع بهبودی یافته است. (راجع است به تلگراف ۱۳ ژوئیه من.)

نمره - ۱۲۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

کولونل لیاخف به قزاقهای ایرانی حکم داد که جنگ راهوقوف نمایند ولیکن در نزدیکی سفارت انگلیس هنوز بختیاریهای دولتی با فداییها مشغول دعوا هستند. تقریباً ۲۰۰ نفر ارمنی به سفارت متحصن شده‌اند و عده‌ای هم از اشخاصی که در جنگ زخم برداشته‌اند در سفارت تحت معالجه می‌باشند. تاکنون زخمی و کشته هر دو طرف بیش از ۶۰ و یا ۷۰ نفر نیست.

نمره - ۱۲۴

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

شیراز

وزیر امور خارجه روس را از مضمون تلگراف ۱۱ ژوئیه طهران مطلع نمودم. دولت روسیه پیشنهاد سابق را برای ممانعت ورود سید لاری به شیراز قبول نموده و به شارژ دافر روس مقیم طهران دستورالعمل فرستاده است که احکام لازمه در این خصوص به قنصل روس در شیراز بدهد.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر کارترایت (سفیرکبیر انگلیس مقیم وینه) به سر ادواردگری مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وینه.

به سفیرکبیر روس دستورالعمل فرستاده شده است که باتفاق من به ظل السلطان اطلاع دهیم که حکومت فارس به او داده شده است و او را دعوت نماییم که از راه بوشهر به محل حکومت خود برود.

سفیرکبیر روس تا مدتی که دستورالعملی هم در این خصوص برای من نرسد اقدام نخواهد کرد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۲۶

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.

اتفاق روس و انگلیس در ایران

دولت اعلیحضرتی کاملاً شاهد اعتدال و خودداری دولت روس است که قشون خود را

در قزوین نگاهداشته و همچنین از اشکالاتی که روسیه به ملاحظه موقع خود از ایران اکتساب می‌نماید کاملاً مطلع است. بهترین اثری که در این مملکت ممکن است تحصیل شود همان عدم دخالت به اوضاع دو دستۀ طهران است که آنها را به حالت طبیعی گذاشته تا دعوی خود را مستقلاً خاتمه دهند. اطوار و حرکات روسیه برای ما سهل و آسان می‌کند قصد واضح و صادقانه‌ای را که در کار کردن با هم در نظر داریم و شما می‌توانید به مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اطمینان بدهید که حرکات ایشان تقویت می‌نماید آرزوی اتفاق ما را با ایشان.

نمره - ۱۲۷

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
هر دقیقه انتظار می‌رود که شاه مثل عیال خود که الان در سفارت روس متحصن است آنهاست بست‌نشین گردد.
۴ نفر سوار از این سفارت فرستاده شد تا در سفارت روس جزو مستحفظین شاه بشوند.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
اعلیحضرت شاه الان به سفارت روس وارد و در آنجا متحصن گردید. متأسفانه هنوز جنگ شدیدی در طهران اشتعال دارد.
مترجمین سفارتین را به طهران فرستادیم سعی نمایند بلکه مابین قزاقها و ملتیان قرار صلح داده شود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۲۹

تلگراف سربار کلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲-] [۱۳۲۷] از قلهاک.
تلگراف ذیل از بوشهر برای من مخابره شده است. امروز کارگزاران با من ملاقات نمود و از طرف انجمن اطلاع داد که مقصود انجمن در مراسله سابق درست توضیح داده نشده است. از قرار معلوم انجمن نمی‌خواهد ادارات دولتی را تصرف نماید بلکه مقصود آنها این است که در این موقع که اوضاع غیر معلوم و مختل است عایدات گمرکی به طهران فرستاده نشود.
دو طریق انجمن پیشنهاد می‌نماید. اول اینکه سی هزار تومان از عایدات گمرک هر ماهه

به ژنرال قنسول اعلیحضرتی پرداخته شود. دوم، تا آنوقتی که دولت مشروطه برقرار و استحکام کامل در اوضاع حاصل نشده است عایدات گمرک بوشهر (البته بندرعباس و لنگه نیز داخل است) به بانک شاهنشاهی پرداخته شود. من به مازور کاکس اجازه دادم که شق دوم را قبول نماید و در صورتی که پول در بانک گذاشته می شود بیخود برداشته نشود.

نمره - ۱۳۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

مسیو سابلین به من اطلاع داد که شاه تلگراف ذیل را به تزار امپراطور روس مخابره کرده است.

بروفق نصیحت دولتین مشروطه را برقرار نموده لیکن حرکت آنارشیتگری از اسلامبول، کربلا، تبریز، طهران مملکت را به هرج و مرج انداخته است و به این جهت مجبور است که تقاضای حمایت از بیرق دولت قوی شوکت آن اعلیحضرت نماید. و او مطمئن از همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح همراهی آن اعلیحضرت درباره خود و خانواده و مملکت خویش بوده و منتظر نصایح ملاطفت کارانه آن اعلیحضرت همایونی می باشد.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

(راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه من در خصوص مذاکرات تسلیم بریگاد قزاق)

از بیانات سردار اسعد درست معلوم نمی شد که بریگاد قزاق را با صاحب منصبان روسی آن نگاه خواهد داشت یا ترتیب دیگری در نظر دارد.

همکار روسم از من خواهش کرد که با او همراهی نموده و خواهش نمایم تا دو مرتبه صاحب منصبان روسی را در خدمت نگاه دارند. من خواهش فوق را قبول و سردار اسعد قول ذیل را به مستر چرچیل و بارنوسکی داد.

ما امضاکنندگان ذیل که موقتاً رئیس ملت و دولت ایران می باشیم بموجب همین ورقه اظهار می داریم که بریگاد قزاق موقتاً مثل سابق در تحت فرمان کولونل لیاخف خواهد بود مشروط براینکه او خود را در تمام امور مطیع اوامر وزیر جنگ که امروز معین خواهد شد بداند.

مسیو بارنوسکی و مستر چرچیل سند فوق را نزد کولونل لیاخف برده و او را از مضمون کاغذ مطلع خواهند ساخت. سردار اسعد از کولونل لیاخف خواهش نمود که در بهارستان به ملاقات او برود. برادر سردار اسعد و مستحفظین بختیاری تا به آن نقطه به همراه لیاخف

خواهند رفت.

بمحض اینکه شاه در تحت حمایت روس و انگلیس به سفارت روس رفت فوراً سفارتین سردارها را بواسطه تلگراف مطلع نمودند.

بموجب اطلاعی که از طهران رسیده است جنگ در آنجا قریب به اتمام است اگرچه یک زدو خورد مختصری هنوز نزدیک سفارت باقی است ولی تصور می شود که آنهم به همین زودیها خاتمه پذیرد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلعهک.

متحصنین سفارت روس تا به این ساعت مرکب از نایب السطنه امیربهادر جنگ و چند نفر از درباریها به انضمام محمدعلی و عیالش است. در ده زرگنده تقریباً ۸۰۰ نفر سرباز چادر زده اند. در این سفارت (سفارت انگلیس) سعدالدوله و مخبرالدوله متحصن شده اند.

نمره - ۱۳۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلعهک.

راجع است به تلگراف امروزی من

کولونل لیاخف بهمراهی برادر سردار اسعد و مترجمین سفارتین به بهارستان رفت و خود را در تحت اوامر سپهدار که از طرف کمیته ملتیان به وزارت جنگ منصوب شده است در آورد.

کمیته مذکور مصمم شده است که اعلان خلع محمد علی شاه را منتشر نماید. دعوا بالکلیه قطع شده و قزاق و فداییان شروع به دوستی نموده اند. من فراموش نمودم در تلگراف امروز صبح خود ذکر نمایم که ولیعهد و برادرهای او با شاه به سفارت رفته اند.

نمره - ۱۳۴

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

راجع به تلگراف ۱۵ ژوئیه شما

امروز صبح با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] ملاقات کرده و تلگراف شما را که در خصوص اظهار تشکر از خودداری دولت روس در اتفاقات ایران بود برای او خواندم. تلگراف روتر که در همان وقت به جناب ایشان رسید تحسن محمد علی شاه را به سفارت

روس اشعار داشت. مسیو ایزولسکی اظهار داشت که دولت متبوعه او هیچوقت مایل به همراهی شاه نبود اگر چه درباره دولت روس بسیاری از این گمانها برده می شد و همچنین این خبر بی اندازه خیال آن جناب را راحت نمود. جناب وزیر اظهار نمودند هر دولتی که در طهران برقرار گردد و نظم را بتواند اداره نماید دولت روسیه آن را برسمیت خواهد شناخت ولی اگر دولت نتواند از عهده نظم برآید دولت روس برای حفظ منافع خود مجبور از اقدامات لازمه خواهد شد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۳۵

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

دولت جدید در ایران

دولت اعلیحضرتی به همان طریقی که مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] اظهار نموده و در تلگراف امروز شما هم ذکر شده بود در خصوص شناختن دولت ایران رفتار خواهد کرد. شما خوب است این مطلب را به وزیر امور خارجه خاطر نشان نمایید و بگویید پیش از اینکه در طهران رسماً دولت مستقری را بشناسیم با ایشان مشورت خواهیم نمود.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سر ادواردگری به سر کارترایت مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

مراجعت ظل السلطان

در خصوص مطلبی که در تلگراف ۱۵ ژوئیه خودتان یادآوری نموده اید شما مجاز هستید که باتفاق همکار روس خود مذاکره نمایید.

نمره - ۱۳۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز صبح زود تلگراف ذیل از رؤسای ملتیان به سفارتین رسید. بنا بر رأیی که مجلس فوق العاده امروز در بهارستان داده اند [قرار] این است که از طرف مجلس مذکور هیئتی نزد اعلیحضرت محمد علی میرزا در خصوص اعلان تغییر سلطنت بروند.

چون اعلیحضرت بواسطه امنیت شخصی عجالاً در تحت حمایت دولتین معظمین روس و انگلیس به سفارت روس پناهنده شده است لذا ما از جناب شما خواهشمندیم که معین فرمایید فردا در چه ساعت ممکن است هیئت مذکور فوق خدمت آن اعلیحضرت شرفیاب

بشوند ما را مطلع فرمایید که خیلی ممنون خواهیم شد.
 این پیغام را همکار روس من به شاه اطلاع داد. اعلیحضرت شاه سابقاً اطلاع داشت که در جلسه دیروز بهارستان ولیعهد را به سلطنت انتخاب نموده‌اند و این مطلب هم بطور غیررسمی دیشب اعلان شد. شاه و ملکه هر دو خیلی بی‌میل از جدا شدن پسر بزرگ خود هستند ولی راضی به مفارقت پسر کوچک می‌شوند.
 شاه پس از ملاقات طولانی غمناکی به مسیو سابلین پیشنهاد نمود که ولیعهد به تخت می‌تواند جلوس نماید ولی به او اجازه داده شود که چند وقتی با مادر خود به سفر برود و اگر این ترتیب امکان‌پذیر نیست برادر کوچک‌تر او را شاه نمایند.
 اعلیحضرت شاه از نمایندگان دولتین خواهش نمود که به رؤسای ملتیان در جواب بگویند که شاه از پذیرایی هیئت معذور است و به آنها بگویند که رفتن شاه از سلطنت‌آباد به سفارت روس خود دلیل استعفای ایشان است.
 من و همکار روس من همین قسم که شاه مایل بود به رؤسای ملتیان جواب دادیم ولی ذکری از عقیده شاه در خصوص جانشین ایشان نکردیم.
 شق اول مسلم است از طرف ملتیان پذیرفته نخواهد شد و شق ثانی را ممکن است که خود ولیعهد بعد از این قبول نکند.

نمره - ۱۳۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 حالا دیگر طهران خاموشی گرفته و قشون ملی با قزاقها دوستی و برادری می‌کنند.

نمره - ۱۳۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
 طهران خاموش [و] سپهدار و سردار اسعد وزیر جنگ و داخله دیروز اعلانی منتشر نمودند که مقادش این بود.
 محمد علی شاه به میل خود از سلطنت خلع شد و مجلس فوق‌العاده عالی که در ۱۶ ماه ژوئیه [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] در بهارستان منعقد گردید ولیعهد سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران منصوب نمود و تا انعقاد مجلس، عضدالملک رئیس ایل قاجار به نیابت سلطنت منصوب خواهد بود.

نمره - ۱۴۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

امروز ولیعهد به سلطنت آباد خواهد رفت و در آنجا از طرف هیئت مجلس عالی به شاهی پذیرفته خواهد شد. مستحفظینی که از طرف سفارتین معین شده‌اند او را تا به سلطنت آباد خواهند برد و بعد از وصول به آن نقطه دیگر در حمایت دولتین نخواهد بود و مستحفظین مراجعت خواهند کرد. هیئت مذکور عمارت دیگری برای اقامتگاه آن اعلیحضرت تعیین نهوده‌اند و خودشان اعلیحضرت شاه را به آنجا خواهند برد.

نمره - ۱۴۱

کاغذ مستر اوپرون به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

در خصوص اعزام قشون به قزوین

آقا

افتخار داشتم که در تلگراف دوم این ماه خود مفاد صحبت خود را با وزیر امور خارجه راپورت دادم.

به‌وجب کاغذی که در صبح ماه ژوئیه از مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] رسید اطلاع داده بود که پس از صحبت من با وزیر امور خارجه هیئت وزراء مصمم شدند که یک فوج قزاق و یک فوج سرباز و یک باطری توپخانه فوراً به انزلی گسیل دارند و به آنها دستور العمل بدهند که از قزوین تجاوز نمایند مگر به حکم سفارت روس در طهران، در صورتی که مال و جان اتباع خارجه در خطر بوده باشد. در آن کاغذ جناب وزیر امور خارجه اظهار نمود که دستور العمل قطعی به صاحب‌منصبان فرمانده این قشون داده شد که از هر نوع دخالت در زدو خورد داخلی دوری جسته و هم خود را به محافظت منافع اتباع خارجه گمارند.

امضاء هیواوپرون

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

دو نفر رئیس ملت رسماً به سفارتین خلع محمدعلی و جلوس ولیعهد سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران اعلام نمودند. من منتظر دستور العمل شما هستم.

نمره - ۱۴۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از تهران.

راجع به تلگراف قبل از این تلگراف

ذیلا ترجمه مراسله‌ای است که در تلگراف سابق ذکر شد:

در صورتی که اغتشاش و بی‌نظمی ولایات تشکیلات ادارات دولتی را لازم داشته و این مطلب به تمام ایرانیان واضح و آشکار است و نظر به اهمیت موقع و اوضاع مملکت و تنفر عموم از محمد علی میرزا، ممکن نشد که حقوق و امنیت ملت بدون تغییر و تبدیل سلطنت تحصیل گردد. بنابراین، در غیاب سنا و مجلس شورا مجلس فوق‌العاده عالی در ۱۶ ماه ژوئیه در طهران در عمارت بهارستان منعقد گردید و اعضاء این مجلس که مرکب از رؤسای مجاهدین و علماء و شاهزادگان و اعیان و اشراف و عده‌ای از وکلاء سابق است به اکثریت آراء به خلع محمد علی میرزا مصمم شدند. و بموجب مواد ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی اعلیحضرت سلطان احمد شاه را به سلطنت معین و نیابت سلطنت هم موقتاً به عضدالملک واگذار شد تا پس از افتتاح پارلمان بموجب ماده ۳۸ قانون اساسی ترتیب قطعی در خصوص نیابت سلطنت داده شود. لهذا ما بموجب این کاغذ رسمی خلع محمد علی میرزا و جلوس سلطان احمد میرزا را به سلطنت ایران رسماً به شما اعلان می‌داریم.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلعهک.

بموجب راپورتهایی که از قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز رسیده است هرج و مرج شدید در اوضاع جریان دارد.

با وجود تعیین ظل‌السلطان باز حاکم سابق دخیل امورات است و دلیلی که برای این اقدام خود اقامه می‌نماید این است دولتی که ظل‌السلطان را به حکومت فارس منصوب کرد دیگر متصدی امور نیست. مستربیل تلگرافاً [=تلگرافی] راپورت داده که سیدعبدالحسین لاری از قرار اخبار واصله مشغول خرید اسلحه است.

در صورتی که دولت حاضره حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نکرده و حاکم سابق را تلگرافاً [=تلگرافی] به طهران احضار ننماید مجبوراً باید که استعداد فردا از بوشهر فرستاده شود.

قنصل روس با مستربیل هم عقیده می‌باشند.

دیروز اوضاع شیراز را که مستربیل در تلگراف خود شرح داده بود به وزیر داخله خاطر نشان نمودم ولی نتوانستم که او را وادار نمایم تا حکومت ظل‌السلطان را تصدیق نماید. وزیر داخله گفت می‌خواهم علاءالدوله را در عوض حکومت آذربایجان به فارس اعزام دارم.

امروز دو مرتبه باتفاق همکار روسم در این خصوص مذاکرات لازمه نمودیم و به وزیر داخله اطلاع دادیم که قنسولهای مقیم شیراز ما حکومت ظل السلطان را بهتر می دانند. بعلاوه اصرار نمودیم که بهای حال باید حاکم سابق را احضار نمایید.

بروفق پیشنهاد مائور کاکس مشغول اقدامات هستیم که دولت ایران توسط قنسولخانه اعلیحضرتی سید عبدالحسین لاری را تهدید و از پیش رفتن او جلوگیری بکند. و همچنین به علماء تلگراف نمایند که ایشان او را از این خیال منصرف سازند.

به سردار اسعد اطلاع دادم که فردا از حرکت قشون دست نگاه خواهم داشت تا اقدامات دولت را برای حفظ انتظام و بسط آسایش ملاحظه نمایم.

نمره - ۱۴۵

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

خیلی خوب است که محمد علی میرزا هرچه زودتر از این مملکت خارج گردد. تزار (امپراطور روس) در جواب تلگراف محمد علی میرزا اظهار داشته که چون او به سفارت امپراطوری پناه برده است به شارژ دافر روس دستورالعمل لازمه داده شد که حمایت از او نبوده و احترامات موافق مقام را بجا بیاورد. پیغامهای زیاد و قول مساعدت از ولایات برای او می رسد. مادامی که او در طهران اقامت نماید بدون شبهه تحریکات زیاد در دور و اطراف آن خواهد شد.

بدو محمد علی میرزا اظهار می کرد که به کریمه خواهد رفت ولی حالا از این مملکت میل حرکت ندارد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۶

تلگراف مستر اوبرون به سر ادواردگری مورخه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۳۷] از سن پترزبورغ.

دیشب مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] از اوضاع تبریز صحبت می کرد و اظهار می داشت که اوضاع تبریز خیلی خراب است.

به من اطلاع داد که به شارژدافر روسیه مقیم طهران دستورالعمل داده شده که لزوم اعزام حکومت و قشون کافی برای آن نقطه را به دولت ایران خاطر نشان نماید. بعلاوه در آن دستورالعمل به مسیو سابلین اظهار شده تا به دولت ایران یادآوری نماید که اگر دولت ایران اقدام لازم در بسط اساس آسایش ننماید عاقبت دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه در استقرار نظم کرده باشد. در جواب سؤال من که چه اتفاق تازه ای در تبریز باعث این اقدام شده، مسیو ایزولسکی اظهار داشت که ستارخان حکومت خود را اعلان کرده و فداییان به اسم پلیس از اهالی وجوهای می گیرند و جماعتی مردم را برضد

حضور قشون روس در تبریز تهییج می‌نمایند. بعلاوه، بنا به اظهارات مسیو ایزولسکی نقطهٔ مخاطرهٔ دیگری هم موجود است و آن اردبیل می‌باشد که شاهسونها تمام اطراف آن را چاییده‌اند.

نمره - ۱۴۷

تلگراف مسیو اوبرون به سر ادواردگری مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از سن پترزبورغ.

راجع به تلگراف امروزی من

در ضمن صحبتی که امروز با مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] داشتیم جناب ایشان اظهار نمودند که سفیر کبیر عثمانی به آنها اطلاع داده که در خصوص ستارخان و باقرخان باب عالی به ژنرال قنسول دولت عثمانی مقیم تبریز دستورالعمل فرستاده و مفاد آن این است که صلاح در خارج شدن ستارخان و باقرخان از ایران است ولی در صورتی که آنها مایل به خروج نباشند دیگر ژنرال قنسولگری عثمانی از آنها سلب حمایت کرده و اجازهٔ تحصن را نیز نخواهد داد. این مطلب خیلی اسباب خرسندی مسیو ایزولسکی شده بود، مسیو ایزولسکی اظهار نمود که نظر به اوضاع تبریز اعزام حکومت با قشون کافی برای برقراری نظم خیلی لازم است و نیز گفتند تا مدتی که نظم در آنجا برقرار نشود قشون روس نمی‌تواند تبریز را تخلیه نماید.

نمره - ۱۴۸

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجهٔ لندن.

شاه جدید ایران

همین که برای مسیو سابلین از دولت متبوعهٔ او دستورالعمل رسید شما می‌توانید شاه جدید را برسمیت بشناسید.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۴۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرون مورخهٔ ۱۹ ژوئیهٔ ۱۹۰۹ [۲۸ تیر ۱۲۸۸؛ ۱ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجهٔ لندن.

کنت بنکاندروف از اینکه در موقع تغییر حکومت ایران دخالت در طهران لازم نگردید خیلی خوشحال و آسوده‌خاطر است. من اظهار نمودم که من هم با حسیات ایشان شرکت می‌نمایم و به عقیدهٔ من این مسئله در این مملکت و هم در ایران از اعتدال و خودداری دولت روسیه آثار خوبی بخشیده است. من به کنت بنکاندورف گفتم که از روابط دوستی

مابین دولت جدید ایران و صاحب‌منصبان روسی (که در خدمت شاه هستند) خیلی خوشوقت هستیم و امیدوارم که هیچ اشکالی که مخل منافع روس باشد در تغییر حکومت حاصل نگردد. در خصوص تبریز من به آن جناب گفتم که به ایشان همراهی کرده و به دولت جدید ایران فشار خواهم آورد که علاءالدوله و یا یک حاکم لایقی را بدون تعویق به حکومت آنجا معین نمایند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

من تلگراف ذیل را به قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره کردم: دولت جدید ایران مایل است حاکم حالیه را موقتاً نگاه داشته و حکومت ظل‌السلطان را نیز تصدیق نمی‌نماید. دولت ایران به سید عبدالحسین لاری احکام تلگرافی فرستاده که بطرف شیراز حرکت ننماید و به علماء هم اصرار نمودند که بر وفق همین احکام دستورالعمل برای سید بفرستند. دولت ایران تا اندازه‌ای مطمئن است که با این اقدامات نظم را برقرار خواهد کرد. من منتظر راپورت ثانوی شما خواهم شد تا حکم اعزام استعداد را بدهم. به دولت ایران اصرار نمودم که فوراً به آصف‌الدوله حکم بشود تا قشون ایلاتی را که جمع کرده متفرق نماید.

نمره - ۱۵۱

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

فوج امیر بهادر جنگ که دولت جدید می‌خواهد آنها را اخراج نماید در نزدیکی سفارت روس متحصن شده‌اند.

نمره - ۱۵۲

تلگراف سربار کلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

نظر به اینکه دولت حاضره تعیین ظل‌السلطان را به حکومت فارس تصدیق نمی‌نماید به عقیده من و همکار روسم خوب است که او عجالتاً به ایران مراجعت ننماید.

نمره - ۱۵۳

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

تلگراف ۱۹ ژوئیه از سن پترزبورغ

ترتیب جدید این است که مخبرالسلطنه به حکومت آذربایجان منصوب گردید و در آنجا خیلی محل توجه عموم خواهد شد.

نمره - ۱۵۴

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

تلگراف ذیل امروز از قنسول اعلیحضرتی مقیم شیراز مخابره شده:

«عقیده من و همکار روسم این است که اگر آصفالدوله معزول نشود باید فوراً استعداد فرستاده شود. خواهش می‌کنم اگر ممکن است از بقای [= ابقاء] آن مانع بشوید. دلایل مشروحه برای این عقیده خودمان فرستاده خواهد شد».

من مجدداً اصرار به دولت ایران خواهم نمود که حاکم حالیه را فوراً عزل نماید. اگر تا امشب دولت تقاضای مرا قبول نکرد حکم فرستادن استعداد از بوشهر را خواهم داد.

نمره - ۱۵۵

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من با مسیو سابلین در این مسئله موافق هستیم که در موقع حرکت شاه سابق سه نفر مستحفظ از سفارت روس و سه نفر هم از این سفارت با عده‌ای قزاق ایرانی از طرف دولت ایران تا قزوین همراه او بروند و از قزوین به آنطرف قشون روس همراه خواهد بود. این ترتیب را شارژ دافر روسیه به دولت متبوعه خود تلگراف خواهد نمود. ممکن است که اگر صاحب‌منصب روسی و یا یک نفر از اجزای سفارتین تا قزوین همراه شاه نباشند به ترتیب دیگر راضی نشود.

می‌ترسم بواسطه مسائل راجعه به تعویق حقوق شاه و جواهرات دولتی حرکت او قدری طول بکشد.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۵۶

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

اقدامات شما در این اغتشاش حالیه ایران مورد رضایت و تصویب نام من است. در اینجا حرکات همکار روس شما که با یک طرز صادقانه با شما همراهی نموده خیلی اسباب تمجید است.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

ناصرالملك وزير امور خارجه، مستوفى الممالك وزير مالیه، فرمانفرما وزير عدليه، صمصام السلطنه حاكم اصفهان، مخبر السلطنه فرمانفرمای تبریز گردیدند.

نمره - ۱۵۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

امروز تلگراف ذیل را در شیراز به مستر بیل مخابره کردم: در عوض حاکم سابق که احضار شده علاءالدوله به حکومت شیراز منصوب گردید. دستورالعمل سختی به او داده شد که فوراً به نایب الحکومه خود احکام لازمه داده تا هر نوع اقدامی که برای برقراری نظم لازم است مجری دارد.

نمره - ۱۵۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

امروز سفارتین بموجب دستورالعمل از دولتین متبوعتین خود رسماً شناسایی سلطان احمد شاه را اعلان نمودند.

نمره - ۱۶۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

از راپورتهایی که تا به حال برای من رسیده معلوم می شود که تغییر سلطنت در ولایات اثر خوب بخشیده است. تلگرافخانه قم راپورت می دهد که به صمصام السلطنه دستورالعمل داده شد که در راه قم و اصفهان مستحفظ بگذارد. از همان منبع به من خبر رسید که دستورالعمل دیگری هم برای محافظت راه قم و طهران به ایل بیگی که در قم است فرستاده شده.

نمره - ۱۶۱

تلگراف سر ادواردگری به سر کارترایت مورخه ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۰ تیر ۱۲۸۸؛ ۳ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.
خوب است به ظل السلطان اطلاع دهید که دولت جدید تعیین حکومت شما را تصدیق نمی‌نماید و به اینجهت عجالاً عزیمت شما را به ایران صلاح نمی‌دانم.

نمره - ۱۶۲

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۴ رجب ۱۳۲۷] از قلعهک.

راجع به تلگراف ۲۰ ژوئیه من

جواهرات سلطنتی علت عمده تعویق حرکت محمد علی میرزا است.
گمان می‌شود که محمد علی جواهرهای مذکور را با اسبابهای شخصی خود به سفارت برده باشد و تا اطمینان نکند که مواجب کافی در حق او برقرار خواهند نمود البته جواهرات را تسلیم نخواهد کرد. اگر این جواهرات از این مملکت خارج بشود دیگر جمع‌آوری آنها ممکن نخواهد شد.

من و همکار روسم دولت ایران را نصیحت نمودیم که به محمد علی میرزا پیشنهادی بنمایند. دولت ایران هر چند که مایل است بهر اندازه‌ای که امکان دارد محمد علی میرزا را زودتر از ایران خارج نماید ولی طبعاً هم میل دارند که جواهرات سلطنتی محفوظ بماند.

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۴ رجب ۱۳۲۷] از قلعهک.

بر وفق دستورالعمل سن پترزبورغ همکار روس من دوطغرا مراسله به من ارائه داد یکی راجع به هیجان اهالی تبریز در ضد روسها و دیگری راجع به اغتشاش شاهسونها در اطراف اردبیل.

مراسله ثانوی در شکل يك اخطاریه‌ای بود که مفاد آن این است: اگر دولت ایران برای جلوگیری از عسایر و استقرار انتظام در اردبیل اقدامات لازمه فوری ننماید دولت روسیه مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود اقدامات لازمه را بنماید. من پیشنهاد مسیو سابلین را در خصوص رفع هیجان بر ضد روسها و اعزام حاکم لایق با استعداد کافی به آذربایجان و حفظ انتظام اردبیل تصدیق و همراهی نمودم.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر کارترایت به سر ادواردگری مورخه ۲۳ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۵ رجب ۱۳۲۷] از وینه.

مطالب ذیل به تلگراف ۲۱ این ماه شما راجع است:

باتفاق سفیرکبیر روس امروز ما ملاقاتی از ظل‌السلطان نمودیم و نصیحت کردیم که خوب است عجلتاً از وینه حرکت ننماید به دلیل اینکه دولت جدید ایران حکومت فارس او را تصویب ننموده است. شاهزاده خواهش نمود که به او اجازه داده شود یا به طهران که در آنجا سفارتین می‌توانند ناظر حرکات او بوده باشند رفته و یا در اصفهان به منزل خود مراجعت نماید و باز اظهار نمود که عزیمت من به طهران برای زیارت سلطان جدید است و به ما اطمینان داد که مقصود دیگری در نظر ندارد و ابداً مایل نیست که در کاری مداخله نماید، حتی در نیابت سلطنت. ما سعی نمودیم که او را تا چندی به اقامت اروپا وادار نماییم لیکن از قرار معلوم مصمم شده است که به همین زودیها بطرف ایران رهسپار شود.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۶۵

تلگراف سربارکلی به سرادواردگری مورخه ۲۴ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۸ مرداد ۱۲۸۸؛ ۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

از طرف دولت ایران متحدالمآلی به تمام انجمنهای ولایتی فرستاده شده که مفاد آن این است: به هر وسیله ممکن می‌شود به هیجان عموم بر ضد روسها خاتمه بدهند.

نمره - ۱۶۶

تلگراف سربارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

کمیته ملتیان دیروز هیئتی نزد شاه فرستادند که از او خواهش نمایند جواهرات سلطنتی را تسلیم نموده و بعلاوه اظهار نمایند که دولت حاضر است ۲۵ هزار تومان برای او در سال مواجب معین نماید. محمد علی میرزا اظهار نمود در خصوص جواهرات حاضر است تسلیم نماید ولیکن در خصوص مواجب مطلب را به مسیو سابلین واگذار نموده است. بعد به همکار روسم شکایت نمود که مبلغ پیشنهاد شده خیلی کم است. اعلیحضرت سابق بعلاوه از این مواجب از املاک شخصی خود عایدات دارد که سالی تقریباً ۲۰ هزار

(۱) پیش از تصویب «قانون تبدیل بروج به ماههای فارسی از نوروز ۱۳۰۴ شمسی - مصوبه یازدهم فروردین ماه ۱۳۰۴ شمسی» ترتیب درستی برای شمارش روزهای ماه نبود و برخی از ماهها تا ۳۲ روز هم می‌رسید. - ۴.

لیره می‌شود.

نمره - ۱۶۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من از قنصل اعلیحضرتی مقیم شیراز اطلاع حاصل می‌نمایم که نماینده حاکم جدید را قشون ایلاتی از دارالحکومه اخراج کردند. تلگرافخانه آباده خبر داد که صولت‌الدوله با ۱۰ هزار نفر عازم شیراز شد. مستر بیل استدعای اجازه حرکت استعداد از بوشهر می‌نماید. نظر به این اتفاقات اعزام استعداد را حس نموده و دستورالعمل به مازور کاکس برای فرستادن سپاهی دادم. من دولت ایران و همکار روس خودم را از این اقدام مطلع خواهم ساخت.

نمره - ۱۶۸

تلگراف مستر اوبرون به سر ادوارد گری مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.
آقا

دیروز برای مذاکرات امور شیراز نزد وزیر امور خارجه رفتم. جناب وزیر به من اطلاع داد که الان خبر رسید که شاه به سفارت روس متحصن شده است. مسیو ایزولسکی که این حرکت را مطابق استعفاء یا خلع محمد علی فرض می‌نمود اظهار کرد که این خبر اسباب آسودگی خاطر او شده است. دولت روسیه هیچوقت میل همراهی محمد علی میرزا را نداشته لیکن مظلون به مساعدت بوده و اقدامات آن را با خیالات وخیم تلقی می‌کردند. در هر صورت اوضاع واضح گردید. جناب وزیر اظهار نمودند که خیال دولت روس درباره ایران و اوضاع جدید این است که اگر این اشخاص که زمام امور را در دست گرفته‌اند قابل استقرار نظم و ترتیب حکومت ثابتی باشند دولت روسیه آن دولت را خواهد شناخت لیکن اگر معلوم شد که آنها قابل این کار نیستند دولت روسیه مجبور خواهد شد تا اقداماتی که لازمه حفظ منافع دولت روسیه است اجراء نماید. من گفتم که اگر خیال دولت روسیه اینست گمان می‌کنم که با خیالات دولت اعلیحضرتی مطابق خواهد بود.

هیو اوبرون

نمره - ۱۶۹

تلگراف مازور کاکس (ژنرال قنصل انگلیس مقیم بوشهر) به سر ادواردگری مورخه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۸ رجب ۱۳۲۷] از بوشهر.

اغتشاش شیراز

یک ماکسیم با ۵۰ نفر که ترکیب آنها از این قرار است به شیراز عزیمت نمودند: ۵ سوار، ۳۶ سپاهی، یک صاحب‌منصب هندی، دو صاحب‌منصب لیوتان بحری و بری انگلیس، با ۵ نفر قشون بحری و یک جراح.

نمره - ۱۷۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از طهران.

انتخابات طهران که برای ۶ و ۷ و ۸ ماه او [= اوت] مقرر شده بر وفق قانون انتخابات جدید خواهد بود.

نمره - ۱۷۱

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه.

شما می‌توانید باتفاق همکار روس خودتان تبریکات خویش را به شاه جدید تقدیم نمایید.

نمره - ۱۷۲

تلگراف سر کارترایت به سر ادواردگری مورخه ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۹ [۶ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۱ رجب ۱۳۲۷] از وینه.

ظل‌السلطان

ظل‌السلطان مصمم شده که فردا شب از وینه به طهران عزیمت نماید. مشارالیه برای من پیغام داده که مایل است با او ملاقات نمایم.

امروز با یکی از نایب‌های سفارت روس به ملاقات او رفتم. مشارالیه به ما اطمینان داد اقدامی که مخل روابط صالح باشد از او سر نخواهد زد. ظل‌السلطان اظهار نمود در طهران در منزل نایب‌السلطنه که از طرف مادری خویش نزدیک و دوست قدیمی او است توقف خواهد نمود و امیدوار بود که تا دو هفته دیگر وارد طهران خواهد شد.

نمره - ۱۷۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۹ [۷ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۲ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

مفاخرالملک که در چند روز قبل از سفارتخانه خارج و مخفیانه برای مازندران عازم بود تا آن ولایت را بر ضد دولت حاضره بشوراند از طرف ملتیان دستگیر شد. او را به طهران آورده در محضر محکمه مخصوص محاکمه نمودند. بعد از آنکه چندین قتل که از جمله آنها قتل یکی از متحصنین شاهزاده عبدالعظیم بود در حق او ثابت گردید محکوم به قتل شد و امروز حکم مجازات در حق او مجری گردید. صنیع حضرت هم که سابقاً رئیس فداییان شاه بود دیروز اعدام شد.

نمره - ۱۷۴

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۲ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۰ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۵ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

در این هفته اخیر اقدام قطعی برای حرکت اعلیحضرت شاه سابق نشده است. دولت ایران سعی کامل دارد تا بعضی جواهرات سلطنتی را که در نزد شاه است و ادعای مالکیت آنها را می‌نماید تصرف کند. از قرار معلوم آن جواهرات خیلی گرانبها و سابقاً هم جزو جواهرات سلطنتی بوده است. من امیدوارم پس از آنکه مسئله جواهرات طی شد دیگر اسباب تعویق فراهم نیاید.

نمره - ۱۷۵

کاغذ سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۱ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.
آقا

در مراسله ۱۶ ماه گذشته اظهار نمودم پروگرام ما را که شاه قبول نمود مقدمات جلوگیری آمدن بختیاری و فداییها را از اصفهان و رشت که در يك وقتی احتمال قوی داشت فراهم کرد. برخلاف اظهارات من حوادث طوری سریعاً روی داد که در واقع همین مسئله نمونه خوبی است در اشکال اینکه انسان پیش‌بینی صحیحی در اوضاع ایران نمی‌تواند بکند. اطلاعاتی که برای من رسیده بود این بود که عده زیادی بختیاری از اصفهان به منزلهای خود مراجعت کرده‌اند و مابقی هم به همین زودیها مرخص خواهند شد. همین‌طور از قزوین. ابدأ از تهیه و حرکت آنها خبر نمی‌رسید بلکه برخلاف، مشهور بود که فداییها متفرق می‌شوند. هنوز من مراسله مذکور فوق را امضا نکرده بودم که در ۱۷ ماه گذشته از ژنرال قنسول اعلیحضرتی برای من تلگراف رسید که سردار اسعد برای خداحافظی نزد

او رفته و عازم طهران شده است. اخبار هم شیوع پیدا کرد که رئیس بختیاریها با هزار نفر سوار برای اجرای مشروطیت رو به طهران می‌آید.

به فاصله ده روز خبر رسید که سپهدار از قزوین حرکت نموده و چندان مسافتی از طهران دور نیست. عجب‌تر آنکه در چند روز قبل سپهدار قبول کرده بود که خود را از فداییها خارج کرده و برای صلح بطرف طهران بیاید در صورتی که از طرف سفارت روس امنیت او را ضمانت نمایند و مسیو سابلین هم این مسئله را قبول کرده بود.

بمجرد اینکه تلگراف از مستر گراهم رسید فوراً جواب مخابره کرده و دستورالعمل دادم که به سردار اسعد خاطرنشان نماید که برای استقرار مشروطیت اقدامات لازمه می‌شود و اقدامی را که او در نظر دارد عوض آنکه ممدکار بشود بیشتر اسباب پیچیدگی را فراهم خواهد کرد ولی قبل از اینکه این تلگراف به مستر گراهم برسد سردار اسعد حرکت کرده بود و مستر گراهم مطلب را بتوسط کاغذ به سردار اسعد رسانید.

در ۲۰ ماه وزیر امور خارجه با من ملاقات کرد و اظهار داشت که دولت در همین زودیاها امیر مفخم را که یکی از خوانین شاهپرست بختیاری است به جلو سردار اسعد من به جناب وزیر اظهار نمودم که این اقدام باعث شروع به جنگ داخلی می‌شود که اساساً محل تأسف است. بعلاوه من اقدامات لازمه برای جلوگیری از پیش آمدن سردار اسعد نمودم و اگر این اقدام مؤثر نیفتاد آنوقت سعی خواهیم کرد که اجازه بدهند تا از طرف سفارتین ژنرال قنسولهای اصفهان نزد سردار اسعد رفته و نصیحت سخت نمایند که از نمایشات خود دست بردار شود. جناب وزیر قول داد که تا چند روز دیگر عزیمت امیر مفخم را به تعویق اندازد.

در ۲۲ ماه به کاغذ مستر گراهم سردار اسعد جواب غیر مساعد فرستاد. به همین ملاحظه به مستر گراهم دستورالعمل دادم تا بنزد سردار اسعد که با ۷۰۰ نفر نزدیک قم رسیده بود رفته و به او حالی نماید که سفارتین از اقدامات شاه در خصوص اجرای مواد پروگرام پیشنهادی دولتین راضی هستند و چون سردار اسعد از این پیشنهاد سوءعقاهمی داشت لذا به مشارالیه خاطرنشان نمایند که این مواد پروگرام ابداً به استقلال ایران لطمه آور نیست بلکه نصیحت دوستانه است که برای استقرار مشروطیت به شاه پیشنهاد شده است و اخباری را که انتشار یافته که این پروگرام برضد استقلال ایران است تکذیب نماید.

در همان روز بر وفق همین تفصیل همکار روسم به ژنرال قنصل روس مقیم اصفهان دستورالعمل فرستاد. ژنرال قنسولها در ۲۶ ماه با سردار اسعد در قم مذاکرات نمودند. سردار اسعد در جواب اظهار نموده بود که این مشروطه بازیچه اطفال است چرا که سعدالدوله هنوز وزیر و امیر بهادر جنگ نزد شاه و مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف است و قول داده بود که تا ۲۸ ماه چند فقره تقاضا که با سایر ملتیان مشغول ترتیبات آن می‌باشند به ژنرال قنسولها داده خواهد شد. خوب است که در خصوص مخبرالدوله ذکری بشود. در موقعی که کابینه جدید تشکیل شد بموجب پیشنهاد خصوصی سفارتین مخبرالدوله که سابقاً در کابینه مرتجعین بوده دوباره در سر کار خود باقی ماند. ما می‌دانستیم که او مرتجع است ولی چون وزیر پست و تلگراف در ایران جزو کابینه محسوب

نمی‌شود و مخبرالدوله تجربیات خوبی در اداره کردن تلگرافخانه داشت لذا ما مایل بودیم که او در سر کار خود بوده باشد. پس از آنکه نتیجه ملاقات ژنرال قنسولها با سردار اسعد به ما معلوم شد دوباره به آنها دستورالعمل دادیم که به سردار اسعد تفصیل مطالب سابقه را که به آنها دستورالعمل داده شده بود تکرار نمایند و بعلاوه اهمیت موقع را در مد نظر او آورده و اظهار دارند که اگر سردار اسعد به نصایح ما اعتنا ننماید خود را دچار مسئولیت مهمی خواهد کرد.

به ژنرال قنسولها گفته شد تا به سردار اسعد اطلاع بدهند که آنها تا ظهر ۲۹ منتظر تقاضای او خواهند شد.

سردار اسعد نظر بمذاکره با سایر ولایات وقت خواسته و ما گمان می‌کردیم که نگاهداری ژنرال قنسولها در قم برای این کار مناسب نخواهد بود چون ما تا یک اندازه مطلع بودیم که این تقاضاها را به دولت ایران فرستاده‌اند و از منبع دیگر هم ممکن بود که به ما خبر برسد. لذا به ژنرال قنسولها دستورالعمل فرستاده شد که به سردار اسعد اطلاع دهند که دیگر ایشان مطلبی ندارند و در ۲۹ ماه از قم بطرف اصفهان حرکت کردند. در این ضمن خبر رسید تقریباً ۹۰۰ نفر فدایی تا ۴۵ میلی طهران آمده‌اند.

عدم موفقیت ژنرال قنسولها و این اقدام رولوسیونرها از قزوین خیلی موقع شاه را وخیم نشان می‌داد و اضطراب فوق‌العاده به درباریان روی آورده بود. در پایتخت باستثناء ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر قزاق ایرانی قشون دیگر نیست که محل اعتماد باشند.

برای اینکه کار شاه زیادتز زار و از این بدتر بشود نفاق بختیارها از میان رفت و مابین ایل‌یگی و صمصام‌السلطنه ایلخانی صلح برقرار شد.

امیر مفخم که همراه شاه است هیچ احتمال داده نمی‌شود که بتواند عده زیادی را با خود همراه نماید. اشکال زیاد آن است که تمام وزراء باستثناء سعدالدوله همگی در یک حال غریبی هستند. سعدالدوله در ۲۵ ماه استعفاء داد بعد از او تمام وزراء از کار کنار گرفتند هر چند که شاه حکم کرد تا موقتاً وزراء متصدی امور بشوند. فقط از میان آنها سعدالدوله به ملاحظه جرئت مشغول کار خود بود و سایرین بهیچوجه در اموری که رایحه مسئولیت داشته [باشد] مداخله نمی‌کردند.

در این موقع باریک شاه مرا با همکار روسم به سلطنت آباد احضار نمود و چون در تلگراف ۳ این ماه تفصیل این ملاقات را کاملاً اطلاع داده‌ام دیگر زیادتز از این لازم نیست که بگویم شاه از ما تقاضای نصیحت کرد و ما اظهار کردیم که تعویق شاه در اجرای نصایح ما که مکرر در زمستان گذشته پیشنهاد شده بود باعث این گرفتاریهای حاضر شده است. ما سعی نمودیم از سردار اسعد ممانعت نماییم ولی بدبختانه موفقیت حاصل نکردیم. حالا دیگر نمی‌دانیم که چه نصیحتی به آن اعلیحضرت کرده باشیم. ما حاضریم که در موقع لزوم اگر اتفاق بیفتد نفوذ خود را برای اصلاح بکار بریم. این ملاقات آثار غمناکی را در من و در مسیو ساپلین آشکار ساخت.

روز بعد تلگراف دوم ژوئیه شما در خصوص پیشنهاد به سفیر کبیر روس که از طرف

سفارتین به سپهدار و سردار اسعد گفته شود که «فقط راهی که می‌تواند از دخالت خارجی جلوگیری نماید همانا عبارت از استقرار نظم است تا به مشروطه جدید وقت داده شود که ببینیم چگونه کارها را اداره می‌نماید» رسید.

نظر به مخاطرات جنگ که بی‌اندازه مترقب بود هر چند که برای مسیو سابلین دستورالعمل فرستاده بود باز قبول کرد که دو نفر نماینده از طرف سفارتین برای اطلاع مطالب فوق نزد سپهدار و سردار اسعد فرستاده شود. بهمین مقصود صبح روز ۴ این ماه ماژور استوکس و مسیو بارنوسکی بطرف سپهدار و مستر چرچیل و رومانوسکی بطرف سردار اسعد عزیمت نمودند. ماژور استوکس و مسیو رومانوسکی در موقع جنگ مابین فداییها و قزاقها که از کرج به این طرف آمده بودند به شاه‌آباد رسیدند. قزاقها چندتیری سهواً بطرف آنها شلیک کرده بودند ولی خوشبختانه به آنها آسیبی نرسید و پس از اختتام دعوا بطرف سپهدار عازم شدند.

ماژور استوکس و مستر چرچیل راپورتی را که از ملاقات سپهدار و سردار اسعد نوشته‌اند لفاً تقدیم می‌نمایم.

چنانچه در تلگراف ۵ این ماه راپورت داده شد مذاکرات با سردار اسعد و سپهدار اثری نبخشید ولی سپهدار به ماژور استوکس و بارنوسکی صورتی از تقاضاهای خود داد (ملاحظه فرمایید یادداشت ماژور استوکس را).

این تقاضاها به نظر من و همکار روسم خیلی فوق‌العاده بود و به همین جهت به شاه اصرار نکردیم که این تقاضا در تحت پروگرام ما می‌آمد و اجرای آنها هم در این موقع بسیار لازم بود یکی راجع به بیرون کردن خائنین مثل امیر بهادر جنگ و شیخ فضل‌الله و مفاخرالملک و اشخاص دیگر و دوم راجع به عزل مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف.

در جواب ما به سپهدار اظهار نمودیم که در این دو فقره می‌توانیم به شاه اصرار نماییم ولی در صورتی که او هم به ما قول بدهد که اگر شاه قبول نمود راضی گردد. او باز همان مطلب سابق را مکرر کرد که این مشروطه بازیچه است و اظهار کرد که نظر به عهدنامه روس و انگلیس در موقعی که ملت ایران سعی دارد که حقوق خود را تحصیل کند امیدواریم که دول خارجه در این امر دخالت ننمایند.

در ۱۰ این ماه [۱۹ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۷] پس از آنکه سعدالدوله اطلاع داد که از طرف دولت به دو سردار پیغام فرستاده شد و آنها را دعوت نمودند که برای مذاکرات نماینده بفرستند، ما موقع را غنیمت شمرده و به شاه اصرار نمودیم که این اشخاص منفور ملت را از دور خود متفرق نماید. اعلیحضرت شاه به ما قول مخفی داد در صورتی که از طرف سپهدار و سردار اسعد بتوسط قول کتبی داده شود که پس از آنکه شاه اینها را اخراج کرد دیگر آنها جنگ نخواهند کرد و از قشون خود خلع سلاح خواهند نمود اشخاص مذکور را اخراج می‌نماید.

بعد از شنیدن این مطلب ما فوراً به سردارها (که قشون آنها در این موقع در شهریار بهم ملحق شده بودند) پیغام فرستاده و به آنها اصرار نمودیم که برای مذاکره نماینده اعزام دارند و به آنها اطمینان دادیم که هر یک از تقاضاهای آنها که موافق مشروطیت باشد

از طرف شاه قبول خواهد شد.

در موقعی که این پیغام دیروز صبح به سردارها رسید جنگی که از قرار معلوم روز پیش شروع شده بود هنوز باقی بود. این جنگ مابین فداییها که عده‌شان دو هزار نفر بود با ۵۰۰ نفر قزاق و با عده‌ای از بختیاریهای امیر مخم و عده‌ای از قشون دیگر واقع شد و تا غروب طول کشید. قزاقها به فداییها حمله بردند، بعد عقب نشستند.

امروز صبح جواب پیغام ما رسید. مفادش این بود که سردارها در صورتی که به آنها حمله برده می‌شود از فرستادن نماینده معذورند و تمام راه بتوسط قشون دولتی مسدود است و تقاضا نموده بودند که دولت ایران باید نماینده بفرستد. و اظهار نموده بودند که فقط تا غروب آنها مشغول دفاع خواهند شد.

من این قضیه را با وزیر امور خارجه مذاکره نمودم ولی گمان می‌کنم عجلتاً سفارتین ابدأ نمی‌توانند کاری که مثمر ثمر باشد صورت بدهند. عقیده همکار روس هم این است و مصمم شده‌ایم عجلتاً کارها را به مجرای طبیعی خود واگذار نماییم. بارکلی

ضمیمه ۱ در نمره ۱۷۵

تقریباً یک ساعت و نیم با سردار اسعد صحبت نمودیم. ما به ایشان اطلاع دادیم که به عقیده سفارتین این نمایش آنها خیلی بی‌موقع و به اساس مشروطیت مضر است.

مجموع دلایل سردار اسعد این بود که مشروطیت وجود ندارد و سفارتین خیلی گول خورده‌اند. طریق اثبات مدعیات او وجود امیر بهادر وزیر جنگ واقعی و استعفای مستوفی‌الممالک و حضور سعدالدوله و مخبرالدوله در کابینه بود.

ما به ایشان یادآوری نمودیم که اگر به نصایح سفارتین اعتنا نکنند سفارتین یقین خواهند کرد که مقصود آنها اشکال‌تراشی در اوضاع است و شخصاً او را مسئول نتایج خواهند دانست.

سردار اسعد جداً پروتست کرده و اظهار داشت که او هیچ مقصودی جز استقرار مشروطیت واقعی (پرای این لفظ توضیح نداد) ندارد و گفت چنانچه در اصفهان جنگ نکردم با کسی نیز دعوا ندارم و دلیل این مطلب به کاشان رفتن او است با وجود اینکه عده زیادی در آن نقطه با او همراه بودند و مابقی هم بیک اشاره همراه می‌شدند.

به او اصرار شد که ضدیت با سفارتین را ترك و آهسته به منزل خود مراجعت نماید. او جواب داد بدون اینکه کاری را انجام دهد از مراجعت به منزل خود معذور است. سردار اسعد اظهار نمود پس از آنکه بعضی از تقاضاهای او قبول شود برای مراجعت حاضر است. از آن تقاضاها فقط دو فقره را عجلتاً می‌توانست ذکر کند:

(۱) اخراج امیر بهادر جنگ و پنج شش نفر دیگر از مستبدین معروف طهران.
(۲) به وکلای جدید مجلس امنیت داده شود. (چونکه یقین داشت و کلاء دیگر جرئت اجتماع ندارند).

بقیه تقاضاها را عجلتاً نمی‌تواند اظهار نماید تا اینکه با کمیته‌ای که برای امروز به قم احضار کرده مشورت نماید.

تا این موقع غیر از يك نفر هنوز سایر اعضای کمیته در قم حاضر نشده‌اند. سردار اسعد قول داد که ۲۸ ماه ژون سایر تقاضاهای خود را کتباً پیشنهاد خواهد کرد. ما از ایشان سؤال کردیم که اگر تقاضاهای ایشان قبول نشود چه می‌کنند. در جواب چند بیت از اشعار فردوسی خواند که مفاد آن مطابق است با مثل انگلیسی که می‌گوید «فتح یا وست‌منسترابی»^۱.

ما خاطر نشان نمودیم در عوض اینکه این نمایشات ایشان اسباب دوام مشروطیت گردد مورث تعویق آن خواهد شد.

سردار اسعد جواب داد نتیجه این اقدام از دو صورت خارج نیست یا مشروطه واقعی برقرار خواهد گردید یا اسباب دخالت مستقیم خارجه فراهم خواهد آمد. بهتر این است یکی از این دو نتیجه حاصل شود. دلیل دیگر برای صلح این است که حکم کرده است تا دیگر استعداد از اصفهان نفرستند.

سردار اسعد یکوقتی در ضمن صحبت خود اظهار کرد که او حاضر است مدتی در قم یا در جای دیگر توقف نماید تا مجلس منعقد شود. با وجود اینکه اطمینان داشت که به این ترتیب حالیه هیچوقت مجلس منعقد نخواهد شد. مکرر اظهار کرد که هیچوقت نمی‌خواهد با سفارتین ضدیت نماید و خیلی ممنون خواهد شد اگر سفارتین بتوانند تقاضاهای او را تحصیل نمایند. این تقاضاهای شخصی او نیست بلکه راجع به تبریز و مشهد و رشت و سایر نقاط ایران است که او از طرف آنها نماینده است. سردار اسعد اظهار نمود که مقصود شخصی ندارد و باز تکرار نمود دلیل دیگر برای فقدان مشروطیت وجود استبداد در طهران است. امروز برای او خبر رسید که شاه املاک او را در بختیاری به امیر مخم بخشیده است. امضاء گراهم یوگویا و اولنسکی مذاکرات متحدالمال که از طرف سفارتین روس و انگلیس در ۴ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ با سپهدار شده است:

من و مسیو بارنوسکی روز ۴ ماه ژوئیه سه ساعت بعد از ظهر وارد کرج شدیم. چون صبح آن روز بتوسط تلفون برای ملاقات از سپهدار درخواست وقت نموده بودیم، بمحض ورود به کرج سپهدار ما را نزد خود پذیرفت. مسیو بارنوسکی به سپهدار اطلاع داد که نمایندگان دولتین مقیم طهران با يك پیغامی که نتیجه مذاکرات لندن و پترزبورغ است ما را نزد شما فرستاده‌اند. من هم اظهار داشتم که مستر چرچیل و رومانوسکی با يك چنین پیغامی نزد سردار اسعد رفته‌اند.

سپهدار اظهار نمود الان از سردار اسعد که در رباط کریم است برای من کاغذ رسید. بعد مسیو بارنوسکی ترجمه دستورالعملی [را] که به ما داده بودند به فارسی برای سپهدار قرائت نمود. سپهدار بدقت گوش داد. بعد از اینکه مسیو بارنوسکی دستورالعمل فوق را

۱) Victory or West Minester Abbey : این کلمات را امیران مشهور انگلیسی، نلسن، در جنگ ترافلکار سروده است یعنی یافتن یا مردن به افتخار و دفن در وست منسترابی. زیرا وست منسترابی جایی است در لندن که مردان مشهور انگلیسی به‌مخارج دولت در آنجا دفن شده‌اند.

تمام خواند، سپهدار ورقه را از او گرفته و شخصاً قرائت نمود و پیش خود نگاه داشت. پس از آنکه سپهدار دستورالعمل را ملاحظه نمود از شاه شروع به شکایت کرد و اظهار داشت ابدأ نمی‌شود به شاه اطمینان نمود. هر قولی که داده آنقدر در اجرای آن طول می‌دهد که مثل نکردن محسوب می‌شود و در دور خود خائنین و مالاها را جمع نموده و نصایح این چند نفر را به اراده سایر ایرانیان برتری می‌دهد. وزیرای شاه ابدأ جواب تلگرافات ما را نمی‌دهند و بیش از ده تلگراف مخابره شده و به هیچ‌یک از آنها جواب نرسیده است. بعضی از وزراء خائن‌اند (ولی اسم نبرد) وزراء کمیته ملتیان را در طهران برسمیت نشناختند (این مطلب راجع است به کمیته ملتیان که در طهران تشکیل یافته بود؛ در ابتدا سعدالدوله آنها را برسمیت می‌پذیرفت، ولی بعد اعتنا نکرد). سپهدار بعد اظهار نمود که می‌خواهد با سایر رؤسای ملتیان در این خصوص مذاکرات لازمه نماید و برای همین مقصود از نزد ما خارج شد.

یک ساعت و نیم بعد مراجعت نمود، اظهار کرد ملتیان خیلی متشکر از مساعی دولتین معظمین که در واقع دو دولت عمده روی زمین‌اند و برای اصلاح مبذول می‌دارند هستند. بعد از ما سؤال نمود که آیا شاه از فرستادن شماها نزد من خبر دارد یا خیر. من جواب دادم یقین ندارم ولی گمان می‌کنم که اطلاع ندارد. مسیو بارنوسکی گفت گمان می‌کنم که از آمدن ما شاه خبر نداشته باشد. سپهدار پرسید که مقصود از لفظ برقراری نظم چیست و اظهار نمود که حرکات قشون او همیشه از روی نظم بوده و خواهد بود. قشون ملتی برای مقصودی آمده‌اند که هنوز بعمل نیامده. او و سردار اسعد از حرکات قشون خود ضمانت نموده و می‌نمایند. اگر سفارتین ترتیبی بدهند که او با سردار اسعد هر کدام با ۱۵۰ نفر آدم در شهر یا در یکی از باغات دور شهر آمده آنوقت با مشورت سایر ولایات ترتیب اساسی برای استقرار مشروطیت خواهند داد.

من از سپهدار پرسیدم مقصود شما از استقرار مشروطیت چیست؟ در جواب اظهار کرد بعضی چیزها است که ملتیان مایلند تا آنها را معمول دارند. من گفتم اگر شما آن مطالب را به ما بگویید ممکن است که سفارتین آن مطالب را به نظر شاه رسانیده و در قبولی آنها اصرار نمایند و در آن صورت سفارتین ضمانت اجرای آنها را خواهند کرد.

سپهدار چند فقره از آنها را اظهار کرد و ما خواهش نمودیم که این مطالب را روی کاغذ بیاورد. سپهدار دوباره از شاه بنای شکایت آغاز نمود و اظهار کرد از آنوقتی که مشروطیت بر پا شده شاه متصلاً ساعی بوده که مشروطه را بر هم زند. و حوادث سال گذشته را بما خاطر نشان نمود. من گفتم از گذشته نباید شکوه کرد، خوب است آنها را همینطور گذشته محسوب دارید. در همین ایام شاه نصایح دوستانه دولتین را قبول نموده و اغلب مواد پروگرام ما را بموقع اجرا گذارده بقیه را هم اجراء خواهد کرد. قانون انتخابات حاضر تمام مقدمات انتخابات مجلس مهیا است. مسیو بارنوسکی اظهار کرد که مجلس خیلی اهمیت دارد وقتی که برسمیت منعقد گردید آنزمان می‌توانید تمام وزراء را تغییر بدهید. سپهدار دو مرتبه مطلبی را که سابقاً گفته بود تکرار نمود: «مقصود ملتیان

۸) تعیین حکام مشروطه باید به تصویب انجمن ایالتی آن محل باشد.

ضمیمه ۴ در نمره ۱۷۵

یادداشت در خصوص مذاکرات مستر چرچیل و مسیو رومانوسکی با سردار اسعد در ۳ ماه ژوئیه سال ۱۹۰۹ [۱۲ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۷] مسیو رومانوسکی و من یک ساعت و نیم بعد از ظهر در همراهی دو نفر قزاق روسی و دو سوار هندی و دو غلام سفارتین از قلعه حرکت نمودیم. ساعت ۷ به حسن آباد که در ۳۶ میلی طهران در راه قم و طهران واقع است رسیدیم. در آنجا به امیر مفخم و یک نفر صاحب منصب قزاق ایرانی که با ۲۰۰ نفر قشون بودند ملاقات نمودیم. وقتی که ما بدیدن امیر مفخم رفتیم اظهار کرد سردار اسعد در نقطه‌ای است مابین حسن آباد و رباط کریم و می‌خواهم به دیدنش رفته ملاقات دوستانه نمایم. قرار بر این بود که هر کدام از این خوانین با ۵ نفر سوار از اردوگاه خود به آن نقطه ملاقات بروند. امیر مفخم قبول کرد که در معیت او به ملاقات سردار اسعد برویم و مال سواری برای ما و همراهان ما دادند. وقتی که سردار اسعد وارد شد ما بتهایی او را ملاقات نمودیم. من آن کاغذی را که مأمور رسانیدن آن بودم برای سردار اسعد خواندم. سردار اسعد تا آخر گوش داد و آنوقت به من اطلاع داده‌اند که این مشروطه که شاه داده است مشروطه صحیح نیست و ابداً خیال ندارد که این قول خود را به موقع اجراء بگذارد. چه ضمانتی داده می‌شود که شاه قولهایی که حالا می‌دهد به موقع اجراء خواهد گذاشت.

من گفتم به ما اجازه داده شده است که اگر مسئله ضمانت پیش آید به شما بگوییم که سفارتین حاضرند تا ضمانت لازمه را تحصیل نمایند. سردار اسعد جواب داد مخصوصاً چیزی را که مایل نیستیم عبارت از ضمانت خارجه است. او بهیچوجه به ضمانت خارجه مایل نیست. من فوراً به ایشان اطمینان دادم که چنین «گارانتی» را ابداً ما در نظر نداریم و حاضریم تا از شاه ضمانت لازمه را تحصیل نماییم. سردار اسعد اظهار نمود در این صورت مطلب خیلی توفیر دارد و او مایل است که به این ترتیب قبول نماید. سردار اسعد چون ظاهراً مایل نبود که در این مطلب مذاکره شود لذا مسئله را تغییر داده و باز تکرار نمود که بموجب راپورتهای واصله از ولایات مردم بکلی از شاه سلب اطمینان نموده و به قول او اعتماد ندارند و به همین ملاحظه گمان می‌شود که برای مجلس و کیل انتخاب نخواهند کرد. من گفتم اقدامات نظامی که از طرف شما و سپهدار شده در نظر ما علت این هیجان است و از قرار معلوم اقدامات طهران را به شما بد القاء کرده‌اند. ما می‌توانیم به شما اطمینان بدهیم که سعدالدوله و کمیته‌ای که برای ترتیب قانون انتخابات تشکیل شده بود بخوبی از عهده کار برآمده و پیش از آنکه شما و سپهدار بطرف طهران حرکت نمایید جای امیدواری بود که مشروطه صحیحی برقرار شود.

سردار اسعد جواب داد تا وقتی که مفسدین اطراف شاه را گرفته‌اند هیچ ممکن نیست به شاه اطمینان نمود آیا امیر بهادر جنگ باز هم رئیس کل قشون نیست؟ من گفتم یکی از مواد پروگرام انگلیس و روس این است که امیر بهادر از کار خارج شود. این مسئله و سایر مطالب دیگر را شاه قبول و اجراء کرده است. مخصوصاً من شخصاً از سعدالدوله

که واقعاً برای منافع ایران خدمت می‌کند پرسیدیم که آیا برای اجرای کارها حضور امیر بهادر مانع است یا خیر؟ او جواب داد که او دیگر در نزد شاه نفوذی ندارد و قدرتی هم در دست او نیست و هر هوقعی که بخواهد از طرف او اقدامی بشود فوراً به سفارتین خبر خواهد داد. پس در اینصورت دلیلی ندارد که خروج او را اصرار نماییم. مشارالیه فقط فرمانده سیلاخوریها است و بکلی در نزد شاه بی‌نفوذ است. بعد سردار اسعد اظهار داشت که من به خیال جنگ نیامده‌ام بلکه مقصودم این است که مشروطیت را درست برقرار نمایم و اگر جنگی واقع بشود ابدأ برای من تقصیری نخواهد بود؛ بهیچوجه به پیغامهای من از شاه جواب نمی‌رسد. يك دسته دور شاه را گرفته‌اند و نمی‌گذارند که اخبار صحیح به او برسد. نزدیک طهران آمده‌ام برای اینکه بتوانم مستقیماً با شاه مذاکره نمایم و عده زیادی همراه دارم و ایلات فارس هم تماماً با من هستند.

ما اظهار نمودیم که از ترجمه فارسی پیغام خود سوادى نزد شما می‌گذاریم و به طهران مراجعت می‌کنیم. وقتی که در ساعت يك خواستیم خارج شویم سردار اسعد با يك طرز مغزدار معنی‌بخش گفت: «Au revoir á Téhéran» (خدا حافظ؛ ملاقات در طهران) چرچیل امضاء

ضمیمه ۵ در نمره ۱۷۵

دستورالعملی که به ماژور استوکس و مستر چرچیل داده شده بود شما سعی کامل خواهید نمود تا سردار اسعد و سپهدار را ملاقات کرده و به آنها بگویید فقط چیزی که می‌تواند از دخالت خارجه جلوگیری نماید همانا استقرار نظم و دادن فرصت است به مشروطه‌ای که تازه بر قرار شده. شما به آنها اظهار نمایید که پیشنهاد دولتین متحابتین در ۲۲ آوریل به شاه و از اقدامات شاه در خصوص اجرای آن پیشنهاد برای آنها سوء تفاهم پیدا شده است. شما به آنها بگویید که این پیشنهاد به شاه برای استقرار مشروطیت در شکل نصیحت دوستانه‌ای که برای نیل به این مقصود اینک بعضی اقدامات شده که اغلب آن اقدامات را شاه بعمل آورده است. بدون دخالت دولت کمیته ملتیان قانون انتخابات را بطور آزادی ترتیب داده و به امضاء شاه هم رسیده است. از طرف وزرائی که متهم به استبداد هستند هیچ ضدیتی در مقابل این اقدامات پیشنهادی ظاهر نشده است. اگر سردار اسعد و سپهدار درخواست ضمانت نمایند باید ضمانتی را که می‌خواهند، بگویند تا ما سعی کامل نموده و آنها را تحصیل نماییم.

امضا بارکلی، مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۰۹ [۱۴ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۷]

نمره - ۱۷۶

مراسله سر بارکلی به سر ادواری مورخه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۵ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۷] از قلهک.

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته گذشته ایران، بطور معمول، لفاً برای شما بفرستم.

ضمیمه در نمره ۱۷۶

تبریز

در نوزدهم ژون [۲۹ خرداد؛ ۳۰ ج ۱] قسمتی از قشون روس مرکب از يك باطری توپ هوتزر و دو دسته پیاده بطرف روسیه مراجعت کردند. در ۲۰ ماه ژون بقیه قشون اردوی خود را از نزدیکی رودخانه آجی به باغ شاه حرکت دادند.

در ۲۸ ماه ژون [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] به ژنرال قنصول روس حکم رسید که دیگر عجالاً قشون را خارج نمایند. شهر سکونت دارد و اتفاق تازه‌ای روی نداده. ستارخان و باقرخان هنوز در ژنرال قنصولگری عثمانی هستند و به همین زودیها با ژنرال قنصول عثمانی خارج خواهند شد و دولت روسیه ضمانت خواهد کرد که به آنها اذیتی نرساند و آنها در خارجه توقف خواهند کرد تا اینکه نظم در ایران برقرار شود. چون شاهسونها که با رحیمخان قراچه‌داغی مشغول دعوا هستند به باسمنج آمده‌اند لذا در ۷ ماه ژویه [۱۶ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۷] ۱۵۰ نفر قزاق روسی به باسمنج فرستاده شدند. این قشون پس از چند روز به تبریز مراجعت کردند ولی ۶۰ نفر برای کسب اخبار در آنجا گذاشتند.

اجلال‌الملک، کفیل حکومت، مکرر خیال استعفا نموده ولی تا حاکم جدید وارد نشود استعفای او را قبول نخواهند کرد.

فرمانفرمای جدید علاءالدوله در اوایل ژویه از اروپا وارد طهران شد لیکن تاکنون خبری از حرکت او بسمت تبریز نرسیده است.

رشت

در ۲۸ ماه ژون [۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] برای قشون ملتیان در قزوین از رشت استعداد حرکت کرد. در ۸ ماه ژویه [۱۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] قشون روس وارد انزلی شد و در ۱۰ ماه بطرف قزوین حرکت نمودند. قشونی که وارد خواهند شد مرکب از ۵۰۰ نفر قزاق و ۴ عراده توپ و هزار نفر پیاده است. در مدت حرکت قشون ملتیان رو به طهران راه تردد رشت و طهران بهیچوجه بسته نشده و پست هم مرتباً بدون تعویق وارد و خارج می‌شود.

مشهد

در اواخر ماه مه در موقعی که اغتشاش شروع شد ژنرال قنصول روس بتوسط یکی از علماء معروف پیغام سختی به انجمن فرستاد و علاوه از آن پیغام کاغذی هم که به آن اندازه سخت نبود به انجمن نوشت. برای همین پروتست بازارها بسته شد و مردم به کارگزاری حمله کردند.

در ۷ ماه ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۷] چندین قتل روی داد که منجمله

راجع به بیگربیگی بود. بیگربیگی یکی از قاتلین را کشت و بعداً برای آن قاتل احترامات فوق‌العاده بعمل آوردند و تمام اعضاء انجمن حضور داشتند.

یکی از دوستان ایرانی ماژور سایکس به او گفت احتمال قوی داده می‌شود که سوء قصدی از طرف تبعه «پرنس دابیژا» نسبت به او اتفاق بیفتد که بشدت از او تنفر دارند. تمام اشخاص مهم به ارك پناهنده شده و یا به دهات اطراف فرار کرده‌اند. ۲۰ نفر را صورت نویسی کرده و برای اعدام آنها سعی کامل نمودند و در واقع زمان ترور شیوع یافته بود.

در دو موقع ۶ و ۸ ژون [۱۶ و ۱۸ خرداد؛ ۱۷ و ۱۹ ج ۱] چون تیر زیادی در شهر در می‌رفت، لذا در قنسولگری انگلیس سنگربندی شد. پرنس دابیژا و اجزاء او جرئت اینکه از ارك خارج بشوند نداشتند و مکرر به او اخطار شد که مواظب خود باشد. چون ورود رکن‌الدوله احتمال تأخیر داشت و در صورت ورود او هم بیشتر آناارشیستها هیجان خواهند کرد لذا قنسولها تفصیل اوضاع را تلگرافاً [= تلگرافی] به سفارتین اطلاع دادند. پرنس دابیژا تقاضای فرستادن استعداد نمود، چون اوضاع خیلی مغشوش بود و هیچ امید بهبودی نمی‌رفت مگر اینکه بزنان در سر طعمه دعوا نمایند. ماژور سایکس موافقت نمود که يك همچو اقدامی لازم است.

اغتشاش همینطور مداومت یافت و در ۱۶ ژون [۲۶ خرداد ۱۲۸۸؛ ۲۷ ج ۱ - ۱۳۲۷] وقتی که رکن‌الدوله وارد شد خود را بکلی بی‌اقتدار و دست‌بسته مشاهده نمود. شهر و تلگرافخانه هنوز در دست متمردين بود. ماژور سایکس از رکن‌الدوله ملاقات کرده و او را خیلی وحشتزده دید. ماژور مشارالیه راپورت داد که در ماه ژون دو دسته از رولوسیوترها که عده هر يك مابین ۵۰ الی ۶۰ نفر بود از تبریز وارد مشهد شدند. انجمن مشغول جمع‌آوری مجاهد بود. در ۱۸ ماه ژون پرنس دابیژا مراسله به فرمانفرما نوشته و تقاضاهای ذیل را نمود:

(۱) تخلیه نمودن مجاهدین تلگرافخانه را و تسلیم کردن اسلحه خود.

(۲) دستگیر کردن قاتلین رئیس خدام و بیگربیگی.

در آخر مراسله از همراهی قنسولخانه‌ها در این خصوص با حکومت قول داده شد. در ۹ ماه ژون این مراسله به انجمن ارسال گردید. انجمن مراسله مزبوره را پاره کرده و فحش زیادی به فرمانفرما و هم به پرنس دابیژا دادند. يك دسته از ارادل در چند هفته گذشته در ارك توقف نموده آنجا را مرکز خود برای حمله به شهر قرار دادند.

در ۲۲ ماه ژون از محله سراب مستبدین آنجا در تحت فرمان شجاع‌التولیه حمله به مجاهدین آوردند. از قراری که می‌گویند حکومت شجاع‌التولیه را تحریک به این اقدام نموده است. این اقدام اسباب شد که تمام محله ارك را غارت کردند.

در ۲۴ ماه ژون [۳ تیر، ۵ ج ۲] تیر زیادی انداخته شد. در شب آن روز پرنس دابیژا خواست قراول به بانك روس بفرستد ولی ارادل رفتن آنها را مانع شدند. يك توپ ماکسیم فرستاده شد و شروع به شلیک نمود. کسی کشته نگردید و فوراً راه عبور قراول

باز شد. غارت و آتش زدن خانه‌ها بیشتر گردیده و از طرف انجمن استدعای کمک به ماژور سایکس شد. مشارالیه انجمن را نصیحت نمود که با حکومت صلح نمایند.

در ۲۵ ژون [۴ تیر ۶ ج ۲] ملتیان طهران تلگرافی به انجمن کرده و به آنها نصیحت نمودند که اقدامی نکنند که مستمسک شکایت بشود. این تلگراف اثر خوبی بخشید؛ مذاکرات شروع شده و قرار بر این گرفت که انجمن خلع سلاح نمایند و در عوض رؤسای ارادل نیز خارج بشوند. در این ضمن ارادل حمله به تلگرافخانه بردند ولی عقب نشسته و دو نفر از آنها کشته شدند.

در ۲۶ ژون [۵ تیر؛ ۷ ج ۲] ایالت در تحت حمایت روس و انگلیس درآمد. در ۳ ماه ژویه [۱۲ تیر؛ ۱۴ ج ۲] ایالت و پرنس داییزا و دو نفر از اعضاء مهم انجمن در قنصلخانه انگلیس مجلس کردند. قرار بر این شد که خلع سلاح بشود. و مابین حکومت و انجمن صلح داده شد. حکومت دوبرتبه شروع به کار نمود مشروط بر اینکه انجمن این قرارداد را تصویب نماید. از آنوقت تا به حال شهر خاموش است.

در ۱۰ ماه ژویه [۱۹ تیر؛ ۲۱ ج ۲] ماژور سایکس تلگراف نمود که انجمن و فرمانفرما متفقاً مشغول برقراری صلح و انتظام هستند. فقط ۲۰ نفر قراول انجمن مسلح است و اطمینان از طرفین حاصل گردیده است.

سیستان

حسام الدوله در روز ۲۱ ماه مه اشخاص معروف بیرجند را دعوت کرده و اعلان شاه را قرائت نمود.

به وکلاء سابق انجمن گفته شد تا موقع انتخاب جدید آنها نمایندۀ انجمن خواهند بود. انجمن ایالتی مشهد انتخابات جدید را قبول نکرده لذا همان وکلای قدیم سر جای خود باقی هستند.

انجمن ایالتی مشهد به حسام الدوله اطلاع داد که مسؤل مالیاتهایی که بتوسط او جمع شده است خود او خواهد بود و این مطلب اسباب نگرانی او را فراهم نموده است.

اصفهان

شهر رویهمرفته آرام است اگر چه در چند موقع ایلات برخلاف نظم رفتار کرده‌اند.

سلطان آباد

در اول ماه ژویه کفیل ویس قنصلگری اعلیحضرتی راپورت داد که در ایالت عراق بی‌نظمی متصل رو به ازدیاد است و دزدی همه روزه اتفاق می‌افتد. الوار گاو و گوسفند اغلب دهات را چاپیده‌اند و چندین ده را نیز غارت کرده‌اند. رعایا جرئت ندارند تا از خانه‌های خود خارج بشوند. راهها در کمال ناامنی [است] و بهمین زودیها بکلی مسدود خواهد شد.

بمجرد اینکه بختیاریها به قم رسیدند انجمن محلی در اینجا دایر شد. مکرر از طرف

انجمن به حکومت اخطار شد که قبل از حرکت از سلطان‌آباد حساب مالیاتی را که جمع نموده است بدهد. اکثر اعضای انجمن از آخوندهای متعصب و اشخاص رذیل تشکیل شده است. رئیس علماء بختیارپها را به سلطان‌آباد دعوت نمود.

یزد

چندین سرقت در طرق و شوارع یزد راپورت داده شد. در راه کرمان دستجات ایل غرب در دو نقطه که عده‌شان ۲۰۰ نفرند مشغول غارت کاروان هستند. عده زیادی شتر دزدیده شد صاحبان شترها خواسته‌اند یک پولی مایه گذاشته و شترهای خود را پس بگیرند. بالاخره نتیجه این شد که پولها را اعراب گرفته و شترها را هم پس نداده‌اند. خسروخان نامی چندی قبل سعی نمود که از طرف تفت یزد را بچابد. از قراری که می‌گویند دوه مرتبه مصمم چپاول شد ولی اهالی تفت با او همراهی نکردند. سوارهای حاکم نائین چندی قبل بطرف طهران فرار نمودند و در عرض راه تمام دهات را چاپیده‌اند. زردشتی که زخم خورده و سابقاً راپورت داده شده بود رو به بهبودی گذاشته است. دزدی و با زور از پارسها پول گرفتن کمافی‌السابق باقی است و شکایت پارسها به مأمورین محلی ابداً نتیجه‌ای نمی‌بخشد.

کرمان

نظام‌السلطنه هنوز از طهران بطرف کرمان حرکت نکرده است. بشیر خاقان که در اوائل ماه ژون به نایب‌الحکومگی منصوب شد هرچه قدرت داشت برای اداره کردن امور صرف کرده و کوتاهی نمی‌نمود ولیکن چون مالیات وصول نمی‌شود لذا به مأمورین دولتی هواجب نمی‌رسد.

سربازهایی که در قنسولخانه‌ها و خانه‌های اتباع خارجه قراول بودند تماماً فرار کرده‌اند. خود کرمان آرام است و دلیل هم این است که تمام اهالی معتبر ترك مخاصمت گفته و متحداً در ضد اغتشاش و چپاول مقاومت نهوده‌اند. در خارج شهر همه‌جا دزدی شیوع دارد و اگر کسی مقاومت نماید حتماً کشته خواهد شد.

در رفسنجان پس از آنکه رفعت‌الدوله حاکم به اعراب دزد حمله برد و موفقیت حاصل نمود غفلتاً از شهر فرار نمود و شهر را به خطرات عظیم واگذار کرد. بلوچها مشغول غارت نرمشیر [= فرماشیر] اند و تا ۱۰ ماه ژون ۱۸ نفر کشته شده. قطعاً میریند را گرفته و در چند میلی کرمان دهی را غارت کرده‌اند. سه چهار نفر از دهاتیها نیز کشته شده‌اند. ایل افشار در هیان خود به چند قسمت مخالف تقسیم شده‌اند ولی قنسول اعلیحضرتی گمان می‌کند که آنها برای غارت و چپاول کرمان متفق خواهند شد. تلگرافی در ۱۸ ژویه از قنسول اعلیحضرتی رسید مشعر براینکه بلوچها خیال دارند که در همین زودیها بطرف بم و کرمان حرکت نمایند.

کرمانشاهان

در ۱۳ ماه ژون ظهیرالدوله وارد شد و مشغول حکومت گردید.

شیراز

در اوائل ماه ژون اتفاق عمده همان جنگ قوامیها با حکومت بود. نظر به این اتفاق نزاع قوامیها با عطاءالدوله قطع شده و در خصوص عزل او مذاکره هم در میان نیست. نصرالدوله در ۳۱ ماه مه وارد شد و ادعا می‌نمود که در چند فرسخی شهر عده زیادی از قشقائی به او شبیخون زده‌اند ولی با یک خسارت فوق‌العاده آنها را عقب نشانده. در ۲۵ ماه ژون قوام‌الملک به مستر بیل اطلاع داد که اگر ظل‌السلطان به حکومت منصوب گردد پس از ورود او به شیراز خود قوام یا برادرش با اطمینان خاطر بطرف اروپا عزیمت خواهند نمود.

در اوایل ماه ژویه اوضاع خیلی هولناک گردید چونکه صولت‌الدوله و سید عبدالحسین لاری را حکومت فقط برای سرکوبی قوامیها به شیراز دعوت کرده بود. به عقیده قنصولها حفظ و استقرار نظم به عزل حکومت بود ولی اشکال در پیدا کردن شخص مناسبی است برای حکومت.

بالاخره سفیر انگلیس و شارژ دافر روس تعیین ظل‌السلطان را قرار داده‌اند هرچند که خود او هنوز در اروپا است ولی حکومت ظل‌السلطان به اندازه‌ای در اوضاع بهبودی حاصل کرده و گمان می‌شود که از مخاطره عظیم جلوگیری شده است.

بنادر فارس

بوشهر

در ۴ ماه ژویه ژنرال قسول اعلیحضرتی راپورت داده که رؤسای علماء نجف برای ملتیان بنادر فارس و جنوب ایران مشغول اقدامات می‌باشند.

در ۵ ماه ژویه انجمن محلی برای مائور کاکس کاغذی نوشته و در آن کاغذ اعلان نموده بود که نظر به حوادث نقاط مختلفه ایران انجمن مصمم است که تمام ادارات دولتی را بانضمام گمرک در تحت تصرف خود بگیرد و عایدات گمرکی را هم به نام ملت در بانک شاهنشاهی خواهد گذاشت. بعلاوه انجمن قول داده بود که بعد از ارائه اسناد کلیه وجوهات اصل و فرع مطالبات استقراضی که باید از عایدات گمرکی پرداخته شود کارسازی خواهد داشت. از قرار معلوم این اقدام انجمن بر وفق دستورالعمل نجف و تبریز است و مقصود اصلی فقط ممانعت از وصول عایدات گمرکی است به دست شاه. مائور کاکس جواب داده که به عقیده شخصی من این اقدام انجمن تا یک اندازه تدروی است چونکه ابدآ احتمال اغتشاش و ضدیت از طرف مستبدین در بنادر محسوس نیست و احتمال دارد منتج نتیجه‌ای بشود که رفع آن مقصود عمده دولت انگلیس بوده باشد. این جواب بطریق غیررسمی بوده تا اینکه در اینخصوص از سفارت انگلیس دستورالعمل لازمه برسد. سفارت اعلیحضرتی جواب فوق را تصدیق نمود. بعلاوه به مائور کاکس دستورالعمل داد که در موقع به

انجمن اطلاع بدهد که پس از استقرار مشروطیت آمدن بختیارها و قشون قزوین به طهران باعث این اغتشاشات شده است.

بندر عباس

اوضاع ناگواری که در این ایام در این نقطه شیوع داشت در ماه مه رو به بهبودی گذاشت به جهت آنکه سید عبدالحسین لاری در نقطه دیگر سرگرم بود و شهر را تهدید نمی نمود فقط در بندرعباس به عاملهای خود احکام عدیده صادر می کرد که برای او اسلحه خریده و به لار حمل نمایند.

حکومت بنادر مصمم شده بود که ۲۰۰ نفر سرباز برای محافظت شهر اعزام دارد ولی نایب الحکومه عجلتاً وجود آنها را لازم ندیده و جواب رد داد.

لنگه

نظر به اینکه سید عبدالحسین در لار از نصرالدوله دفاع می کند لذا آدمهای خود را از حوالی لنگه خارج نموده است و از آنوقت تاکنون این نقطه آرام است. چون نایب الحکومه حضور حاجی علی لاری را مخمل نظم و رفاهیت عموم دید به این جهت او را از شهر خارج نمود.

ماژور استوکس، آتاشه میلیتر

نمره - ۱۷۷

کاغذ مستر اوپرون به سر اندواردگری مورخه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۵ امرداد ۱۲۸۸؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

آقا

در این مدت ده روزه چندین مرتبه وزیر امور خارجه در خصوص اوضاع تبریز با من صحبت کرده است.

در ۱۸ این ماه جناب وزیر به من اطلاع داد که اوضاع تبریز خیلی خراب است و در طهران به شارژ دافر روس دستورالعمل داده شده که به دولت ایران لزوم و قوریست فرستادن حاکم را با عده قشون کافی برای انتظام آذربایجان خاطر نشان نماید والا در صورت عدم اقدام دولت روس مجبور خواهد شد که برای حفظ منافع خود مستقلاً اقدامات لازمه نماید. من سؤال کردم علت این اقدامات چیست و چه حادثه ای اتفاق افتاده است. مسیو ایزولسکی [ایسولسکی] جواب داد که ستارخان اعلان کرده که حکومت آذربایجان به او واگذار شده است و دولت روسیه این مطلب را بهیچوجه نخواهد پذیرفت و بعلاوه بتوسط فداییها که به لباس پلیس متلبس هستند از اهالی جبرآپول گرفته می شود و همچنین مردم را به هیجان و بر ضد حضور قشون روس تحریک می کنند.

وزیر امور خارجه به من فهماند که اگر دولت ایران عاجز شود که فوراً نظم و قانون را برقرار دارد دولت روسیه مجبور خواهد شد که اقدامات لازمه بعمل آورد. روز بعد در همین خصوص جناب وزیر دومتبه با من صحبت نمودند ولی این دفعه اوضاع آنجا آنقدر در نظرشان مهم جلوه نمی کرد. سفیر کبیر عثمانی به ایشان اطلاع داده بود که دستورالعمل به ژنرال قنسول عثمانی مقیم تبریز داده شده که به ستارخان و باقرخان اعلام دارد که بهتر آن است آنها از تبریز خارج بشوند و اگر آنها مایل به خروج نباشند دیگر به آنها اجازه توقف در قنسولگری داده نخواهد شد.

مسیو سزانوف، کفیل وزارت امور خارجه دیروز به من گفت که من از حرکت مخبرالسلطنه حاکم جدید بطرف تبریز بی خبرم و هنوز به من اطلاع داده نشده است و خبر بدی نیز در این چند روز اخیر برای من نرسیده است. مسیو ایزولسکی مکرراً به من گفت که نظر به حرکات شاهسونها احتمال خطرات بزرگی در اردبیل داده می شود.

امضا هیو اوبرون

نمره - ۱۷۸

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

همکار روسم مطابق دستورالعمل دولت متبوعه خود در خصوص اغتشاش شاهسونها دومتبه اخطار سخت به دولت ایران خواهد نمود و در تلگراف ۲۲ ژویه راپورت آن را داده ام.

سفارت روس مراسله به دولت ایران فرستاده و در آن مراسله به دولت ایران اخطار می نماید که اگر تا مدت دو روز دیگر یک نفر حاکم لایق و کاردان بهمراهی یک عده قشون کافی به اردبیل اعزام ندارد خود دولت روس مجبور است که یک دسته قشون به آن نقطه گسیل دارد. در خصوص اعزام حکومت و قشون من با مسیو سابلین مساعدت می نمایم.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهاک.

من خیلی مایوسم که مسئله جواهرات سلطنتی ما بین دولت ایران و شاه ختم شود مگر اینکه به هر دو طرف ما فشار سختی بیاوریم. من و همکار روسم ترتیبی را پیشنهاد نموده و هر دو طرف را به قبول آن اصرار می نمایم و آن ترتیب این است که دولت ایران موجب محمد علی میرزا را تا پنجاه هزار تومان اضافه نماید و آنوقت او هم جواهرات را تسلیم دولت ایران کند.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۳ اوت ۱۹۰۹ [۱۱ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۶ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

اداره تلگرافخانه به من اطلاع داد استعدادی که از بوشهر اعزام شده بود دیروز به شیراز وارد شد. در دوازده میلی شهر صولت الدوله با قشونی که عده آنها اقلاً دوهزار نفر است اردو زده اند. من به قنصل اعلی حضرتی دستور العمل دادم که سعی نموده و از پیش آمدن صولت الدوله جلوگیری نماید. صولت الدوله قبول نموده است که تا سه روز دیگر شهر را تصرف ننماید. صولت الدوله اصرار دارد که به حکومت علاء الدوله تغییر داده بشود. من این مطلب را به نظر دولت ایران خواهم رسانید.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۴ اوت ۱۹۰۹ [۱۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

راجع است به تلگراف سوم ماه اوت من شارژ دافر روس به من اظهار کرد که دولت ایران به او قول داده که تا امشب مراسله‌ای به سفارت خواهد فرستاد که در آن مراسله حرکت حکومت مقتدری با یک عده قشون را برای اردبیل اعلان خواهد داشت.

www.adabestanekave.com

نمره - ۱۸۲

تلگراف مستر اویرن به سر ادوارد گری مورخه ۴ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۲ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورگ.

کفیل وزارت امور خارجه به من اطلاع داد که برای اعزام قشون بسمت اردبیل تهیه دیده نشده است و این مسئله هم آنقدر فوریت ندارد. کاری که تاکنون شده این است که اساساً مصمم شده‌ایم اگر دولت ایران از استقرار انتظام اردبیل عجز بهم رساند دولت روسیه اردویی به آن نقطه خواهد فرستاد. این مسئله تا سه چهار روز دیگر دوباره در تحت مذاکره خواهد آمد. (تلگراف سوم ماه اوت سر بارکلی را ملاحظه فرمایید)

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر بارکلی به سر ادوارد گری مورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

نتیجه مذاکرات مابین سفارتین و شاه سابق و نماینده کمیته ملتیان این شد که پروتوکل ذیل از طرف کفیل وزارت امور خارجه و بعضی از اعضای کمیته و مترجمین سفارتین

به امضاء رسید:

ماده اول: بعد از رسیدگی در حضور نمایندگان سفارتین باید تمام جواهرات سلطنتی که در نزد اعلیحضرت است تسلیم نماید.

ماده دوم: باید اعلیحضرت تمام اسناد راجعه به جواهرات سلطنتی که گرو گذاشته شده به دولت ایران تسلیم نموده و اگر دولت ایران خواست آنها را می‌تواند از گرو خارج نماید.

ماده سوم: دولت ایران سالی ۷۵ هزار تومان به آن اعلیحضرت خواهد داد و نصف آن مبلغ در اول سال بتوسط بانک روسی کارسازی خواهد شد.

ماده چهارم: دولت ایران صورتی از جواهرات مفقوده نزد سفارتین خواهد فرستاد. سفارتین تمام اطلاعات ممکنه را از شاه تحصیل نموده در صورتی که نزد اعلیحضرت یا همراهان او بوده باشد سعی کامل خواهند نمود که آنها را پس بگیرند.

ماده پنجم: اگر اعلیحضرت بعد از سیم ماه اوت هر جواهری را بفروشد قیمت آن جواهر از مواجب سالیانه آن اعلیحضرت کسر خواهد شد.

ماده ششم: اعلیحضرت باید قبل از ۱۷ ماه اوت از طهران حرکت نماید.

مفاد ماده اول دیروز بعمل آمد و از فشار بسیار شاه سابق مقدار زیادی از جواهرات را که تاکنون ادعای مالکیت شخصی می‌نمود تسلیم کرد.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سر ادواردگری به سر بارکلی مورخه ۵ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۳ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۸ رجب ۱۳۲۷] از وزارت خارجه لندن.

در ضمن صحبت با وزیر امور خارجه روسیه من گفتم که توقف زیاد قشون روس را در ایران خیلی بد می‌دانم چونکه مداومت توقف آنها سبب از دیاد هیجان بر ضد روسها خواهد گردید.

مسیو ایزولسکی جواب داد من و فرمانفرمای قفقاز هر دو خیلی مایلیم که هرچه زودتر ممکن بشود قشون را از ایران خارج نمایند. ولی در خصوص قشون تبریز تا مدتی که حاکم مقتدری ضمانت امنیت آنجا را ننماید خیلی مشکل است که قشون خارج بشود. در خصوص قشون قزوین هم اظهار نمودند که اوضاع در طهران طوری غیر معلوم است که خروج آنها عجلتاً امکان پذیر نیست.

وزیر امور خارجه اظهار نمود یکی از حرکاتی که بدی اوضاع حاضر را نشان می‌دهد این است که يك نفر قفقازی روسی را که مرتکب خیانت‌های بیشمار است رئیس پلیس طهران کرده‌اند. من گفتم دولت روسیه باید تعیین نماید که چه اقدامی باید از طرف دولت ایران در شمال بشود که بتواند اسباب اطمینان دولت روسیه را فراهم آورده و قشون خود را خارج نماید. آنوقت ما هم اتفاق در اصرار به دولت ایران در اجرای آن اقدامات خواهیم کرد.

نمره - ۱۸۵

تلگراف مستر اوبرن به سر ادواردگری مورخه ۶ اوت ۱۹۰۹ [۱۴ مرداد ۱۲۸۸؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۷] از پترزبورغ.

حرکت شاه سابق از طهران

(خواهش دارم که به تلگراف دیروز طهران مراجعه فرمایید):

من امروز عصر با مسیو سزانوف صحبت داشتم. جناب ایشان اظهار نمودند که دولت امپراطوری خیلی مایل است که محمد علی فوراً از طهران حرکت نماید ولی می‌ترسد که بعد از حرکت محمد علی مجلس قرارداد خود را در خصوص مواجب او نکول نماید و همچنین اظهار نمودند که امضای مجلس برای این قرارداد لازم است. بعلاوه شاه سابق مبلغی زیاد به بانک روسی در طهران مقروض است. این مطلب هم اسباب اشکال خواهد شد. مسیو سزانوف گفتند این مسائل را باید با وزیر مالیه مذاکره نمایم.

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۷ اوت ۱۹۰۹ [۱۵ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۰ رجب ۱۳۲۷] از طهران.

در پنجم این ماه ظل‌السلطان از رشت بطرف طهران حرکت کرد.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر بارکلی به سر ادواردگری مورخه ۸ ماه اوت ۱۹۰۹ [۱۶ مرداد ۱۲۸۸؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۷] از قلهک.

دولت ایران عین‌الدوله را به حکومت شیراز منصوب نموده است. ممکن است قسمتی از مستحفظین قنصلگری خارج بشوند بدون آنکه از رفتن آنها احتمال خطری داده شود. من اجازه به حرکت قسمتی از قشون داده‌ام و امیدوارم بعد از ورود حاکم جدید بقیه نیز بتوانند خارج بشوند. (به تلگراف سوم ماه اوت من راجع است.)

نمره - ۱۸۸

کاغذ مائورکاکس ژنرال قنصل دولت انگلیس در بنادر فارس به سر ادواردگری مورخه ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ [۲۷ تیر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ج ۲ - ۱۳۲۷] از بوشهر.

آقا

افتخار دارم یادداشتی که ویس قنصل اعلیحضرتی راجع به حالت حالیه راههای تجارتی که در تحت منطقه مأموریت من است ترتیب داده و مخصوصاً راه بوشهر به شیراز را

به ملاحظه شما برسانم. من می‌دانم که دولت اعلیحضرتی از مراتب ناامنی تمام راههای عمده جنوب ایران بواسطه اغتشاش و هرج و مرج که در این سه سال اخیر شیوع پیدا نموده کاملاً آگاه است.

اوضاع پایتخت به درجه‌ای رسیده است که ممکن است شروع به يك اقدام قطعی به صورت اتفاق با حکومت مرکزی به هر شکل ممکن باشد برای برقراری نظم و دادن مساعده برای اجرای اصلاحات از طرف ما بشود. امیدوارم در این موقع فرستادن این یادداشت در خصوص اوضاع تجارتنی بی‌مناسبت نباشد.

امضاء
کاکس، رزیدان انگلیس در خلیج فارس و ژنرال قنصل اعلیحضرتی
مقیم فارس

ضمیمه در نمره ۱۸۸

یادداشت راجع به اغتشاش تجارت در جنوب ایران:

اوضاع کنونی جنوب ایران زیاده از حد اسباب ضرر و خسارت منافع انگلیس است و این مطلب مخصوصاً در فارس بیشتر حکمفرما است. نتیجه جنگ دو ساله مابین قشقایی و لر و ایل عرب در نزدیکی شیراز و راههایی که به این شهر می‌آید این است که اولاً حمل مال التجاره از شیراز به نقاطی که همیشه از شیراز خریداری متاع می‌نمایند غیر ممکن شده، ثانیاً نظر به همین معنی مال التجاره زیاد در خود شیراز جمع شده است. شیراز مانند بوشهر چندین سال است که تجارت آنجا کلیتاً با پول انگلیسیها دوام دارد و در این زمان اغتشاش می‌بایست که پول داده بشود و برای تحصیل پول تجار ناچارند که مال التجاره را به قیمت نازل فروخته و از آنطرف هم تمام تجارتخانه‌های انگلیس اشکالات زیاد در تحصیل مطالبات خود دارند و اگر هم وجهی از آن مطالبات دریافت نمایند. غالباً نصف یا کمتر از نصف است. بعلاوه، اغتشاش و ناامنی اطراف شیراز و راههای اصفهان، بدی زراعت و اشکالات سیاسی بیشتر موقع تجارت جنوب ایران را دچار اشکالات نموده است.

مداومت اوضاع به این شکل در مدت دو سال بیشتر از تجار ایرانی را ورشکست کرده و ابداً امید بهبودی برده نمی‌شود. در رسیدگی بسیاری از «بانکروت» های بوشهر که من حضور داشتم معلوم شد تا چه اندازه خسارت به تجارتخانه انگلیس وارد شده و چطور سرمایه‌های انگلیس از دست رفته است.

يك تجارتخانه انگلیس که بیش از ۵۰ سال در بصره و بوشهر برقرار بود شعبه بوشهر خود را می‌خواهد ببندد (داود ساسون و کمپانی). از قراری که اطلاع حاصل نموده‌ام فقط اداره بوشهر او زیاده از ۵۰ هزار لیره مطالبات لاوصول دارد. و در يك موقعی این تجارتخانه خیال داشت که اگر اقدامی برای امنیت راه نشود بکلی از ایران قطع تجارت نماید. «ویکسون و کمپانی» در بوشهر مطالبات زیاد دارند و اوضاع آنها در اصفهان هم خیلی بد است. «لیوینگستون زیتون و کمپانی» تجارتخانه جدید است که تا به حال مبالغ زیادی متضرر شده‌اند. «گری پول و کمپانی» دیگر مال التجاره وارد نمی‌نماید و فقط عامل

حمل و نقل کشتیها است. در این سه ماه اخیر مالالتجاره خیلی کم وارد شده است. واردات منچستر - بوشهر از سال ۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹ از ۹۳۷، ۴۳۹ لیره به ۳۱۸، ۳۷۵ لیره تخفیف یافته است.

سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۰ خیلی بدتر خواهد بود و فقط در سه ماه اول ۱،۵۸۵ لیره وارد شده است.

مسئله‌ای که تمام کارها بسته به وجود او است عبارت است از امنیت راههای کاروان و اهمیت این مطلب را تمام مآه‌ورین خاطرنشان کرده‌اند - حتی در موقعی که ایالت فارس نسبتاً منظم‌تر بوده است تا چه رسد به این موقع. اعلان مشروطیت و شروع به مقدمات آن خود بخود تغییری در اوضاع نخواهد داد و ابدأ در امنیت راه بوشهر و شیراز و بندر عباس و کرمان بهبودی حاصل نخواهد شد. چندین سال طول دارد تا فارس را به حالت امنیت و آسایش برگردانند (پول گرفتن بتوسط خوانین در راهها). رؤسای محلی در مسافت ۱۸۰ میلی راه بوشهر به شیراز از حکومت فارس مستقل شده‌اند و متصل با یکدیگر مشغول جنگ هستند و همه هفته راهها را مسدود نموده مشغول چپاول‌اند. با وجود قرارداد محقق سال ۱۹۰۳ که دولت ایران کرده است برخلاف ماده ۴، ایالات مسلح پول راهداری می‌گیرند و مبلغ آن همه روزه در تزیید است (صورتی از این راهداری ملفوف است). در دم دروازه بوشهر مبلغ یک قران بتوسط کلانتر گرفته می‌شود.

در ۱۹۰۷ ما پروتست کردیم. حکومت محلی در جواب اظهار نمود که به من دخلی ندارد و وزیر مالیه این پول را جزء عایدات محسوب می‌دارد و باید حکومت این پول را جمع‌آوری نماید. اگر دولت ایران این پول را منظور ندارد آنوقت جلوگیری خواهد کرد در تمام راهها کاروان را اذیت می‌نمایند.

این ایام در تمام راپورتهای تجارتی گفته شده که بواسطه زحمت و کثرت دزدی تمام تجار مهم انگلیس در ایران راه شیفت را ترك کرده‌اند ولی خان انگالی قاطرچیها را مجبور می‌کند که از راه شیفت و دالکی عبور نمایند. چندی قبل بواسطه رشوه زیادی از حاکم اجازه گرفته که کاروان باید فقط از این راه تردد نمایند. در همین ایام خان بعلاوه راهداری مبلغ ۵۰ تومان از کاروانی که مرکب از ۷۰ قاطر بود در نزدیکی بوشهر پول گرفت.

اوضاع راه معمولی

راه سلطانی که از برازجان و دالکی و کازرون می‌گذرد و سالها است که محل عبور بوده در این دو ماه اخیر بواسطه نزاع مابین خان کمارج و دالکی و خان برازجان مسدود شده است. از قرار راپورت نزاع در سر راه کاروان بوده و خیلی جنگ سخت کرده‌اند. مخاطرات اوضاع حالیه از شلیک کردن به کفیل ژنرال قسولگری روس در معیت قزاق بخوبی آشکار می‌شود. تلگرافخانه کنار تخت [= کنار تخته] مرکز جنگ بوده است.

در ۱۹۰۸ اغتشاش قدری هم بالا گرفته و در بین کمارج و کازرون شروع گردید. در ۱۹۰۷ نزاع در میان ایل قشقائی و کازرون و شیراز بود و چندین مرتبه پست بسرقت رفت. این راه معمولی طوری بسته شده که تجار ایرانی شیراز در این ایام اخیر سعی دارند

که با ایلخانی قشقائی قراری بدهند که کاروان از راه فیروزآباد عبور نماید. راه فیروزآباد از خاک دشتستان و تنگستان که مردمان بسیار وحشی دارد می‌گذرد. بواسطه نبودن سیم تلگراف در این راه و احتمال دزدی بدون امکان تحصیل غرامت با اشکالات زیاد از قبیل فقدان اسباب حمل و آذوقه و سایر چیزهای دیگر اسباب این می‌شود که تجار انگلیسی اطمینان نمی‌کنند که مالالتجاره خود را از این راه عبور دهند.

فقدان وسیله حمل و نقل

اشکال نازه، فقدان قاطر برای حمل مالالتجاره است. دزدها و مستحفظین راه به اندازه‌ای قاطرچیها را در این دو سال اخیر صده زده‌اند که عدده زیادی از آنها بکلی این راه را ترك کرده و در راه یزد و رشت مشغول کار شده‌اند و نتیجه این شده که در موقعی که نسبتاً راهها امن می‌شود تجار نمی‌توانند وسایل نقلیه تحصیل نمایند در صورتی که سال «۱۹۰۵»، ۵،۰۰۰ الی ۷،۰۰۰ قاطر همیشه در راه مشغول حمل بودند. حالا در ۱۹۰۹ از قرار راپورت تجار حمل و نقل انگلیس و رئیس قاطرچیهای ایرانی فقط ۲،۰۰۰ الی ۳،۰۰۰ قاطر مشغول می‌باشند.

تقریباً هزار و پانصد قاطر از شیراز راه بوشهر را ترك کرده و در راه رشت و کرمانشاهان (که در منطقه نفوذ انگلیس نیست) مشغول حمل و نقل می‌باشند. در ماه مارس الی ماه ژون ۱۹۰۹، هیچ کاروان بزرگ از شیراز به بوشهر نیامده است و اگر هم آمده باشد از راه فیروزآباد آمده بود.

قیمت حمل و نقل

قیمت حمل و نقل به اندازه‌ای بالا گرفته که زحمت فوق‌العاده برای تجارت تولید کرده است.

جدول ذیل ترقی قیمت حمل و نقل را از آن موقعی که شروع به اغتشاش شده نشان می‌دهد

جدول ترقی قیمت حمل و نقل برای ۷۳۷ پوند انگلیسی در مسافت

۱۸۵ میل (به قران)

www.adabestanekave.com

سال ۱۹۰۰		۹۰ ، ۸۰ ، ۶۰
“ ۱۹۰۱		۹۵ - ۸۰ ، ۸۰ - ۱۰۰ ، ۱۰۰ ، ۱۱۰
“ ۱۹۰۲		۸۰
“ ۱۹۰۴		۸۰ - ۹۰
“ ۱۹۰۵		۸۵ - ۹۵ - ۷۵ - ۹۵ - ۱۱۰
۱۹۰۶	-۷	۱۵۰ - ۲۲۰ - ۱۴۰ - ۱۵۰
“ ۱۹۰۷	-۸	۱۶۰ - ۱۲۰ - ۹۰ - ۱۴۰
“ ۱۹۰۸	-۹	۱۴۰ - ۱۶۰ - ۱۷۰ - ۲۲۰
“ ۱۹۰۹	-۱۰	۲۰۰ - ۲۵۰ - ۳۰۰

به عبارت آخری از یک لیره و ۹ شیلینگ^۱ به ۵ لیره و ۳ شیلینگ قیمت حمل و نقل ترقی کرده است.

(۱) در اصل همه جا شلیک آمده است. - ۴.

کمپانیهای بیمه

دلیل دیگری که خرابی تجارت در راه شیراز را نشان می‌دهد تزايد نرخ کمپانیهای انگلیس است. سابقاً اغلب کمپانیهای بیمه از منچستر به شیراز مالالتجاره مقوم به صد لیبره را به ۱۵ شیلینگ قبول می‌کردند. در سال ۱۹۰۷ قیمت به سی شیلینگ رسیده و در ۱۹۰۸ بواسطه دزدی زیاد قیمت از ۴۰ شیلینگ تجاوز نمود و خیلی کم کمپانی قبول می‌کرد. در اوائل ۱۹۰۹ کمپانی ابدأ از انگلستان مالالتجاره شیراز را قبول نمی‌کرد و مانند اوقات جنگ ۵ الی ۱۰ لیبره برای هر صد لیبره مطالبه می‌نمودند. نتیجه این است که خسارت دزدی نه به کمپانیها و نه به مشتریهای ایرانی وارد آمده بلکه تماماً به تجار انگلیسی وارد می‌شود.

تأدیة خسارت اموال مسروقه در راهها

تا سال ۱۹۰۶ حکومت فارس مکرر غرامت اموال مسروقه را می‌داد لیکن در این ۱۸ ماه اخیر ادعای خسارت برای مالالتجاره انگلیس که در راه بوشهر و شیراز بسرقت رفته و قیمت آن ۳،۸۱۰ تومان است از طرف دولت ایران نه رسیدگی و نه پرداخته می‌شود.

امید برقراری نظم

به اندازه‌ای بی‌نظمی در راه بوشهر و شیراز حکمفرما است که امکان ندارد هیچ حاکمی آنقدر نفوذ و قوه داشته باشد که بتواند نظم را در آن سامان برقرار نماید. ایرانیهایی که در این راه مشغول تجارت هستند فقط به مأمورین انگلیس امیدوارند و گمان نمی‌کنند که هیچ‌کس آنقدر قدرت داشته باشد که راهها را امن نموده و این مالیاتهای غیرقانونی را رفع نماید.

از دو سه نفر تجار معتبر بوشهر، من جمله سیدی است که در چند روز قبل به من گفت که به عقیده او اوضاع بدتر خواهد شد و بغیر از اینکه نتیجه وخیم پلثیکی هم خواهد داشت تجارت ایرانی را هم خراب و نتیجتاً خسارت به سرمایه انگلیس وارد خواهد نمود. بی‌نظمی راهها اسباب این شده است که عایدات گمرکی به اندازه‌ای کم شده است که بهیچ وجه برای پرداخت تنزیل استقراض انگلیس و بانک شاهنشاهی کفایت ندارد.

امضاء
چیک